

٠٩٢١٩١٠١٨٦٨

تهيه و تنظيم: ميلاد عيوضي سر گروه عربي استان اردبيل



الدَّرْسُ السَّادِسُ

مَدْرَسَةُ الْقَرْيَةِ مدرسه روستا



# الدَّرْسُ السَّادِسُ

الْمُعْجَم: (۲۱ کلمه جدید)

شیشهٔ عطر	رُجَاغَةُ عِطْرٍ:	دریافت می کند	إِسْتَلَمَ:	دریافت کرد (مضارع: يَسْتَلِمُ)	فعل ماضی
روزه	صَوْمٌ:	بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ	بَسَمَلَةٌ:	بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ	فعل ماضی
عطر می زند	فعل ماضی	یاد می گیرد	تَعَلَّمَ:	یاد گرفت (مضارع: يَتَعَلَّمُ)	فعل ماضی
عطر زد (مضارع: يُعْطِرُ)	فعل ماضی	عطر زد (مضارع: يُعْطِرُ)	حَفَلَةُ زَوْجٍ:	جشن عروسی	حفلة جشن
تغییر می دهد	فعل ماضی	تغییر داد (مضارع: يُغَيِّرُ)	«حَفَلَةُ مِیْلَادٍ: جشن تولد»	«حَفَلَةُ مِیْلَادٍ: جشن تولد»	حفلة جشن
ملامت می کند	فعل ماضی	ملامت کرد (مضارع: يَلْمُومُ)	دَفَعٌ:	دور کرد، دفع کرد، پرداخت	فعل ماضی
نمونه	مِثَالِي:	مِثَالِي:	مِثَالِي:	مِثَالِي:	فعل ماضی
مزدهم هادی	مُزْدَحِمٌ:	مُزْدَحِمٌ:	مُزْدَحِمٌ:	مُزْدَحِمٌ:	ناجح
پرونده	مِلْفٌ:	مِلْفٌ:	مِلْفٌ:	مِلْفٌ:	ناجح
می خوابد	نَامٌ:	نَامٌ:	نَامٌ:	نَامٌ:	ناجح
خوابید (مضارع: يَنَامُ)	نَامٌ:	نَامٌ:	نَامٌ:	نَامٌ:	ناجح
نام رقد	نَشِیْطٌ:	نَشِیْطٌ:	نَشِیْطٌ:	نَشِیْطٌ:	فعل ماضی
فعال، بانشاط	وَهْيٌ:	وَهْيٌ:	وَهْيٌ:	وَهْيٌ:	فعل ماضی
و عبارت است از	وَهْيٌ:	وَهْيٌ:	وَهْيٌ:	وَهْيٌ:	فعل ماضی

تغییر زندگی  
تَغْيِيرُ الْحَيَاةِ

إِبْتَدَأَ الْعَامُ الدَّرَاسِيَّ الْجَدِيدَ وَ دَهَبَ تَلَامِيذُ الْقَرْيَةِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ. كَانَتْ الْقَرْيَةُ صَغِيرَةً  
سال تحصیلی نو آغاز شد و دانش آموزان روستا به مدرسه رفتند. مدرسه کوچک و زیبا بود  
وَ جَمِيلَةً. دَخَلَتْ الْمَدْرَسَةَ فِي الصَّفِّ الرَّابِعِ. كَانَ الصَّفُّ مُزْدَحِمًا. قَالَتْ الْمَدْرَسَةُ  
خانم معلم وارد کلاس چهارم شد. کلاس شلوغ بود. خانم معلم به پسرها گفت

لِلْبَنِينَ: «اجلسوا عَلَى الْيَمِينِ.» وَ قَالَتْ لِلْبَنَاتِ: «اجلسن عَلَى الْيَسَارِ.»  
سمت راست بنشینید و به دخترها گفت: سمت چپ بنشینید

هِيَ شَاهَدَتْ تَلْمِيذَةً رَاسِيَةً بِاسْمِ «سَارَةَ». رَسَبَتْ «سَارَةَ» عِنْدَهَا فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ؛  
او دانش آموز مردودی به نام ساره را دید. ساره در سال های گذشته نزدش مردود شده بود  
فَحَزِنَتْ وَ دَهَبَتْ لِمُشَاهَدَةِ مَلَفِهَا لِإِطْلَاعِ عَلَيِّ مَاضِيهَا.  
پس ناراحت شد و برای دیدن پرونده هایش و برای اطلاع یافتن از گذشته اش رفت

فِي مَلَفِ السَّنَةِ الْأُولَى: هِيَ تَلْمِيذَةٌ جَيِّدَةٌ جِدًّا. تَكْتُبُ وَاجِبَاتِهَا جَيِّدًا: هِيَ  
در پرونده سال اول: او دانش آموز خیلی خوبی است تکالیفش را به خوبی می نویسد  
نَشِيطَةٌ وَ ذَكِيَّةٌ.  
او فعال و باهوش است

وَ فِي مَلَفِ السَّنَةِ الثَّانِيَةِ: هِيَ تَلْمِيذَةٌ جَيِّدَةٌ جِدًّا. لَكِنَّا حَزِينَةٌ. أُمُّهَا رَاقِدَةٌ فِي الْمُسْتَشْفَى.  
در پرونده سال دوم: او دانش آموز بسیار خوبی است. ولی غمگین است مادرش در بیمارستان بستری است

وَ فِي مَلَفِ السَّنَةِ الثَّلَاثَةِ: هِيَ فَقَدَتْ وَالِدَتَهَا فِي هَذِهِ السَّنَةِ. هِيَ حَزِينَةٌ جِدًّا.  
و در پرونده سال سوم: او در این سال مادرش را از دست داد. او خیلی غمگین است

وَ فِي مَلَفِ السَّنَةِ الرَّابِعَةِ: هِيَ تَرَكَّتِ الدِّرَاسَةَ وَ لَا تُحِبُّ الْمَدْرَسَةَ وَ تَتَأَمَّلُ فِي الصَّفِّ.  
و در پرونده سال چهارم: او درس خواندن را ترک کرد و دوست ندارد مدرسه را و در کلاس می خوابد  
الْمَدْرَسَةَ لَأَمَتْ نَفْسَهَا وَ غَيَّرَتْ طَرِيقَةَ تَدْرِيسِهَا.  
معلم خودش را ملامت کرد (سرزنش کرد) و روش تدریسش را تغییر داد

بَعْدَ مَدَّةٍ فِي حَفْلَةِ مِيلَادِ الْمَدْرَسَةِ جَلَبَ التَّلَامِيذُ هَدَايَا لَهَا وَ جَلَبَتْ سَارَةُ لِمَدْرَسَتِهَا هَدِيَّةً  
بعد از مدتی در جشن تولد معلم، دانش آموزان هدیه هایی برایش آوردند و سارا برای معلمش هدیه ای

فِي وَرَقَةٍ صَحِيفَةٍ. كَانَتْ الْهَدِيَّةُ زُجَاجَةً

در کاغذ روزنامه ای آورد. هدیه، شیشه عطر مادرش بود  
عَطْرُ أُمِّهَا، فِيهَا قَلِيلٌ مِنَ الْعَطْرِ، فَضَحِكَ  
که در آن کمی از عطر بود، پس دانش آموزان خندیدند  
التَّلَامِيذُ؛

فَقَالَتْ الْمَدْرَسَةُ لِلْبَنِينَ: «لَا تَضْحَكُوا»  
پس معلم به پسرها گفت: نخندید

وَ قَالَتْ لِلْبَنَاتِ: «لَا تَضْحَكُنَّ.»  
و به دخترها گفت: نخندید

الْمَدْرَسَةُ عَطَّرَتْ نَفْسَهَا بِذَلِكَ الْعَطْرِ.  
معلم از آن عطر به خودش عطر زد



جاءت سارة عند مدرستها و قالت:

سارة نزل معلمش آمد و گفت:

«رائحتك مثل رائحة أمي.»

بوی تو مانند بوی مادرم است

شجعت المدرسة سارة؛ فصارت تلميذة مثالية و بعد سنوات؛ استلمت المدرسة

خانم معلم ساره را تشویق کرد و او دانش آموزی نمونه شد. و پس از چند سال؛ دریافت کرد معلم

رسالة من سارة مكتوباً فيها:

نامه ای از ساره که در آن نوشته شده بود:

«أنت أفضل معلمة شاهدتها في حياتي. أنت غيرت مصيري. أنا الآن طيبة.»

تو بهترین معلمی هستی که در زندگی ام دیدم، تو پسرنوشتم را تغییر دادی. من حالا بزشک هستم.

و بعد مدة، استلمت المدرسة رسالة أخرى من الطيبة سارة؛ طلبت منها الحضور

و پس از مدتی، خانم معلم نامه ای دیگر را از خانم دکتر ساره دریافت کرد که در آن از او حضور

في حفلة زواجها و الجلوس في مكان أم العروس.

در جشن مراسم ازدواجش و نشستن در جایگاه مادر عروس را خواسته بود

عندما حضرت مدرستها في حفلة زواجها؛ قالت لها سارة:

هنگامی که خانم معلم در جشن عروسیاش حاضر شد؛ ساره به او گفت

«شكراً جزياً يا سيدي؛ أنت غيرت حياتي.»

خیلی ممنونم ای خانم! تو زندگی ام را تغییر دادی

فقلت لها المدرسة:

پس خانم معلم به او گفت:

«لا؛ يا بنتي، أنت غيرت حياتي؛ فعرفت كيف أدرس.»

نه ای دخترم؛ تو زندگی ام را تغییر دادی؛ پس دانستم که چگونه درس بدهم

با توجه به متن درس، پاسخ درست را انتخاب کنید.

- |   |  |
|---|--|
| سمت چپ                                      | سمت راست                                       |
| ● <input type="radio"/> عَلَى الْيَسَارِ    | ● <input type="radio"/> عَلَى الْيَمِينِ       |
| برای مادر ساره                              | برای پدر ساره                                  |
| ● <input type="radio"/> لِوَالِدَةِ سَارَةَ | ● <input type="radio"/> لِوَالِدِ سَارَةَ      |
| در کلاس ششم                                 | در کلاس چهارم                                  |
| ● <input type="radio"/> فِي السَّادِسِ      | ● <input type="radio"/> فِي الرَّابِعِ         |
| شیشه عطر                                    | روزنامه دیواری                                 |
| ● <input type="radio"/> زُجَاجَةٌ عِطْرٍ    | ● <input type="radio"/> صَحِيفَةٌ جِدَارِيَّةٌ |
| نه  | بله  |
| ● <input type="radio"/> لا                  | ● <input type="radio"/> نَعَمْ                 |
1. أَيْنَ جَلَسَتِ الْبَنَاتُ؟  
دختران کجا نشستند؟
  2. لِمَنْ كَانَتْ زُجَاجَةُ الْعِطْرِ؟  
شیشه عطر مال چه کسی بود؟
  3. فِي أَيِّ صَفٍّ كَانَتْ سَارَةُ رَاسِبَةً؟  
ساره در کدام کلاس مردود شده بود؟
  4. مَاذَا كَانَتْ هَدِيَّةُ سَارَةَ لِمُدْرَسَتِهَا؟  
هدیه ساره به معلمش چه بود؟
  5. أَمَا كَانَتْ الْهَدَايَا بِمُنَاسَبَةِ حَفَلَةِ الْمِيلَادِ؟  
هدیه ها به مناسبت جشن تولد بود؟



فِعْلُ النَّهْيِ (۲)

ای پسران انجام ندهید

فِعْلُ النَّهْيِ (۲) ← (يا أَوْلَادُ، لا تَفْعَلُوا)، (يا بَنَاتُ، لا تَفْعَلْنَ)

(يا وِلْدَانِ، لا تَفْعَلَا)، (يا بِنْتَانِ، لا تَفْعَلَا)

ای دو پسر انجام ندهید

ای دو دختر انجام ندهید



يا زَمِيلَاتِي، رَجَاءً، لا تَنْزِلْنَ؛ اِصْعَدْنَ.

ای همکلاسیهایم لطفا پایین نیایید، بالا بروید.

يا زَمَلَائِي، رَجَاءً، لا تَنْزِلُوا؛ اِصْعَدُوا.

ای همکلاسیهایم لطفا پایین نیایید، بالا بروید.



يا زَمِيلَتَانِ، رَجَاءً، لا تَنْزِلَا؛ اِصْعَدَا.


ای دو همکلاسی لطفا پایین نیایید، بالا بروید

يا زَمِيلَانِ، رَجَاءً، لا تَنْزِلَا؛ اِصْعَدَا.

ای دو همکلاسی لطفا پایین نیایید، بالا بروید

در این درس با فعل نهی آشنا می‌شوید.

به فرق میان فعل‌های مضارع و نهی توجه کنید و ترجمه آنها را یاد بگیرید.

فعل نهی	فعل مضارع	شخص
انجام ندهید.	تَفْعَلُونَ (جمع مذکر مخاطب)	
	تَفْعَلْنَ (جمع مؤنث مخاطب)	
	تَفْعَلَانِ (مثنی مذکر مخاطب) (مثنی مؤنث مخاطب)	 

هر وقت در ابتدای فعل مضارع **لا** بیاید و آخرش ساکن و یا ن حذف نشده باشد «**لا**» **نهی** است ولی اگر آخر فعل مضارع ساکن شده و یا ن حذف شده باشد «**لا**» **نهی** می باشد

فرق میان فعل مضارع منفی و فعل نهی را بیابید.

فعل نهی

مضارع منفی

لا تَجْلِسُ: نمی‌نشینی ← لا تَجْلِسْ: ننشین

لا تَذْهَبُونَ: نمی‌روید ← لا تَذْهَبُوا: نروید

لا تُرْجِعِينَ: بر نمی‌گردی ← لا تُرْجِعِي: بر نگرد

لا تَتْرُكْنَ: رها نمی‌کنید ← لا تَتْرُكْنِ: رها نکنید

لا تَنْزِلَانِ: پایین نمی‌آید ← لا تَنْزِلَا: پایین نیابید

ترجمه کنید.

لا تَرَفُدُوا تَحْتَ الشَّجَرِ فِي اللَّيْلِ.

يا أَخَوَاتِي، لا تَعْصَبْنَ عَلَى أَحَدٍ.

يا وُلْدَانِ، لا تَضْحَكُوا بِصَوْتٍ مُرْتَفِعٍ

در شب زیر درخت نخوابید.

ای خواهرانم، به کسی عصبانی نشوید.

ای دو پسر (دو فرزند)، با صدای بلند نخندید.

۱- تشخیص معنای فعل‌هایی مانند لا تَفْعَلْنَ فقط در جمله امکان دارد؛ مثال:

(رَجَاءُ؛ لا تَفْعَلْنَ: لطفاً انجام ندهید.) / (لماذا لا تَفْعَلْنَ شَيْئاً: چرا کاری انجام نمی‌دهید؟)

١ التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:

توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

صوم (روزه)

نَشِيط (فعال)

مُرَدَجَم (شلوغ)

راسِب (مردود)

حَفَلَة (جشن)

- جلوگیری از خوردن غذا و آب برای فریضه دینی.
١. الْأَمْتِنَاعُ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ لِقَرِيصَةِ دِينِيَّةٍ. شخصی که کار را دوست دارد و زیاد تلاش میکند
  ٢. الشَّخْصُ الَّذِي يُحِبُّ الْعَمَلَ وَ يُحَاوِلُ كَثِيرًا. صفتی برای مکان پر از اشخاص و اشیاء
  ٣. صَفَةً لِلْمَكَانِ الْمَمْلُوءِ بِالْأَشْخَاصِ وَ الْأَشْيَاءِ. دانش آموزی که در امتحانات موفق نمی شود
  ٤. الطَّالِبُ الَّذِي لَا يَنْجَحُ فِي الْأَمْتِحَانَاتِ. گردهمایی جمعی از مردم برای شادی بزرگ
  ٥. اجْتِمَاعٌ جَمَعَ مِنَ النَّاسِ لِفَرَحٍ عَظِيمٍ.

٢ التَّمْرِينُ الثَّانِي:

جمله های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



لا تَشْرَبِي مِنْ هَذَا الْمَاءِ.

از این آب ننوش



لا تَذْهَبِي مِنْ هُنَا.

از اینجا نرو



لا تَجْلِسْنَ هُنَاكَ؛ اجْلِسْنَ هُنَا.  
**انجا ننشینید ، اینجا بنشینید**



لا تَكْشِفُوا عُيُوبَ أَصْدِقَائِكُمْ.  
**عیب های دوستانت را آشکار نکنید**

### ۳ التَّمَرِينُ الثَّلَاثُ:

آیات زیر را ترجمه، سپس فعل‌های ماضی، مضارع، امر و نهی را معلوم کنید.  
**فعل امر**  
 ۱. اِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ ﷻ اِنْتَظَارُ الْفَرَجِ.

الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

منتظر گشایش باشید و از نعمت خدا ناامید نشوید ، زیرا محبوب ترین کارها نزد خداوند انتظار برای گشایش است

۲. رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿الأعراف: ۴۷﴾ **نهی**

پروردگارا ما را با قوم ستم کار قرار مده.

۳. قَالَ اللَّهُ لَادَمَ وَ حَوَاءَ : ﴿ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ ﴾ ﴿الأعراف: ۱۹﴾ **ماضی نهی**

خداوند به آدم و حوا فرمود: به این درخت نزدیک نشوید.

۴. ﴿ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴾ یس: ۶۰ **نهی**

شیطان را عبادت نکنید قطعا او برای شما دشمنی آشکار است.

۵. ﴿ وَ اصْبِرْ عَلٰی مَا يَقُولُونَ ... ﴾ الْمَزَّمَل: ۱۰۰ **مضارع امر**

و بر آنچه میگویند صبر کن.

۶. ﴿ وَ اشْكُرُوا لِعَمَّةِ اللَّهِ ... ﴾ التَّحَلُّ: ۱۱۴ **امر**

نعمت خداوند را شکر کنید.



## گَنْزُ الْحِكْمَةِ



بخوانید و ترجمه کنید!

۱. لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ  
وَكَثْرَةِ حَجِّهِ  
... وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَآدَاءِ  
الْأَمَانَةِ.

به زیادی نمازشان و روزه شان و زیادی حج نگاه نکنید.

بلکه به راستگویی و امانت داری نگاه کنید.

۲. عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ؛ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرُّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ.<sup>۲</sup>

شما باید صبر کنید. زیرا صبر در ایمان همچون سر در بدن است.

۳. انظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ.

به آن چه که گفت نگاه کن و به کسی که گفت نگاه نکن.

۴. لَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ.

هیچ فقری مانند جهل (نادانی) نیست و هیچ میراثی همچون ادب نیست.

۵. مَنْ دَفَعَ غَضَبَهُ، دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ عَذَابَهُ.

کسی که خشمش را دفع کرد (کند)، خداوند عذابش را از او دفع کرد (می کند).

۱- الْحَدِيثُ الْأَوَّلُ وَالْخَامِسُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَالْحَدِيثُ الثَّانِي وَالثَّلَاثُ وَالرَّابِعُ مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۲- در اینجا «فَأَنَّ» یعنی «زیرا»

۳- الْجَسَدُ: بدن

آیه، حدیث، شعر یا سخنی زیبا بیابید که با پیام اخلاقی متن درس هماهنگ باشد.

خرمندترین مردم کسی است که بینای عیب خود باشد و کور عیب دیگران **امام علی (ع)**

.....

.....

.....

.....



## الْقُرْآنِيَّات



۱. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ السُّورَةَ بِمَعْنَى الْجِدَارِ  
الَّذِي حَوْلَ الْمَدِينَةِ؟

آیا می دانی که سوره به معنای دیوار است  
که اطراف شهر است؟



۲. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ كُلَّ السُّورَةِ تَبْدَأُ بِالْبِسْمَلَةِ إِلَّا  
سُورَةَ التَّوْبَةِ؛ وَ سُورَةَ النَّمْلِ فِيهَا بَسْمَلَتَانِ؟

آیا می دانی که همه سوره ها با بسم الله شروع می شود  
به جز سوره توبه، و سوره نمل دو بسم الله دارد؟



۳. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ سِتَّ سُورٍ بِاسْمِ سِتَّةِ أَنْبِيَاءٍ؟  
وَهِيَ سُورَةُ يُونُسَ وَ هُودَ وَ يُوسُفَ وَ إِبْرَاهِيمَ  
وَ مُحَمَّدَ وَ نُوحَ.

آیا می دانی که شش سوره به نام شش پیامبر است؟  
این ها سوره های یونس، هود، یوسف، ابراهیم،  
محمد و نوح است



۴. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ خَمْسَ سُورٍ تَبْدَأُ بِفِعْلِ «قُلْ»؟  
وَهِيَ الْجِنُّ وَ الْكَافِرُونَ وَ التَّوْحِيدُ وَ الْفَلَقُ  
وَ النَّاسُ.

آیا می دانی که پنج سوره است که با فعل «قُلْ» شروع می شود؟  
آنها جن و الکافرون و التوحید و الفلق و الناس هستند.

کانال عربی متوسطه عیوضی

کانال عربی متوسطه عیوضی

کانال عربی متوسطه عیوضی

کانال عربی متوسطه عیوضی



arabi\_7\_8\_9

کانال عربی متوسطه عیوضی

کانال عربی متوسطه عیوضی



٠٩٢١٩١٠١٨٦٨

تهیه و تنظیم: میلاد عیوضی سرگروه عربی استان اردبیل



## الدَّرْسُ السَّابِعُ



مُخْتَبَرُ إِدِيسُونِ آزمايشگاه اديسون



# الدَّرْسُ السَّابِعُ

الْمُعْجَم: (۲۵ کلمه جدید)

چاپ می کند	فعل ماضی طَبَعَ:	دستگاه	آلة:
چاپ کرد (مضارع: يَطْبَعُ)		دستگاه «جمع: آلات»	
با تندی می راند	فعل ماضی طَرَدَ:	آلة طِبَاعَة: دستگاه چاپ	أَحْسَنَ عَمَلًا:
با تندی راند (مضارع: يَطْرُدُ)		کاری را نیکو انجام داد	
کودکی	طُفُولَة:	ابزارها «مفرد: أداة»	أَدْوَات:
واگن، گاری	عَرَبَة:	تباه می کند	فعل ماضی
زیاد می شود	فعل ماضی كَثُرَ:	تباه کرد (مضارع: يُضِيعُ)	أَضَاعَ:
زیاد شد (مضارع: يَكْثُرُ)		نجات داد (مضارع: يُنْقِذُ)	فعل ماضی
کامل کرد	فعل ماضی كَمَّلَ:	کالا	جَمْعُ مَكْسُرٍ
شیمیایی	كِيْمَاوِيّ:	کالاها «مفرد: بِضَاعَة»	بَضَائِع:
دستگاه ضبط	مُسْجَل:	باتری	بَطَارِيَّة:
چاپخانه ها	مَطْبَعَة:	تندیس ها	تَمَثَال:
چاپخانه «جمع: مَطَابِع»		تندیس «جمع: تَمَائِيل»	رَئِيسِيّ:
هزینه	نَفَقَات:	اصلی	شَرِكَة:
هزینهها «مفرد: نَفَقَة»		شرکت	صِنَاعَة:
خواب	نَوْم:	صنعت «صِنَاعِيَّة: صنعتی»	طَاقَة كَهْرَبَائِيَّة:
گذاشت «مترادف: جَعَلَ»	فعل ماضی وَضَعَ:	نیروی برق	گَهْرَبَاء: برق
می چرخد دور ...	فعل مضارع يَدُوْرُ عَلَيّ:		

## ثَمَرَةُ الْجِدِّ

نتیجه تلاش

كَانَ إِدِيسُونُ فِي السَّابِعَةِ مِنْ عُمْرِهِ، عِنْدَمَا عَجَزَتْ أُسْرَتُهُ عَنْ دَفْعِ مَهْرَاتِ دِرَاسَتِهِ؛ إِدِيسُونُ فِي سِنِ هَفْتِ سَالِكِي بُوَد، هُنْكَامِي كِه خَانَوَادِه اش از پَرْدَاخْتِ هَزِينِه هَاي تَحْصِيلِش نَاتَوَان مَانَد، فَطَرَدَهُ مُدِيرُ مَدْرَسَتِهِ مِنَ الْمَدْرَسَةِ وَ قَالَ عَنْهُ:

پس مدیر مدرسه اش او را از مدرسه به تندی راند و دربارہ اش گفت: «إِنَّهُ تَلْمِيزٌ أَحْمَقٌ.»

او دانش آموز نادانی است

فَصَارَ بَائِحَ الْفَوَاكِه؛ وَلَكِنَّهُ مَا تَرَكَ الدِّرَاسَةَ؛ بَلْ دَرَسَ

پس میوه فروشی شد. ولی او تحصیل را ترک نکرد بلکه درس خواند بِمُسَاعَدَةِ أُمِّهِ؛ هِيَ سَاعَدَتْهُ كَثِيرًا.

به کمک مادرش، او بسیار کمکش کرد

كَانَ إِدِيسُونُ ثَقِيلَ السَّمْعِ بِسَبَبِ حَادِثَةٍ أَوْ مَرَضٍ

إِدِيسُونُ بِدَلِيلِ حَادِثَةٍ يَا بِيْمَارِي أَيْ كِه دُورَانِ كُودُكِي دِجَارِش شُدِه بُوَد كَم سَنُوا بُوَد

أَصَابَهُ أَيَّامَ الطُّفُولَةِ.



تَمَثَالُ إِدِيسُونِ  
أَمَامَ الْجَسْرِ



إِدِيسُونُ أَحَبَّ الْكِيمِيَاءَ. فَصَنَعَ مُخْتَبَرًا صَغِيرًا فِي

إِدِيسُونُ شِيمِي رَا دُوسْت دَاشْت پَس آز مَایِشْگَاهِ كُوجْکِي دَر مَنزَلِش سَیَاخْت

مَنْزِلِهِ وَ بَعْدَ مَدَّةٍ قَدْرًا عَلَى شِرَاءِ بَعْضِ الْمَوَادِّ

وَ بَعْدَ از مَدْتِي تَوَاسُتَ بَرخی مَوَادِّ شِيمِيَايِي وَ اِبْزَارِهَايِ عِلْمِي بَخْرَد

الْكِيمِيَاوِيَّةِ وَ الْكَوَادِّ الْعِلْمِيَّةِ وَ بَعْدَ مُحَاوَلَاتٍ

وَ بَعْدَ از تَلَاشِ هَاي رِيَادِي

كَثِيرَةً صَارَ مَسْؤُولًا فِي أَحَدِ الْقِطَارَاتِ وَ قَدْرًا عَلَى

مَسْئُولِ يَكِي از قِطَارِهَا شُد فَادِر بَه

شِرَاءِ آلَةِ طَبَاعَةٍ وَ وَضَعَهَا فِي عَرَبِيَّةِ النَّصَاحِ وَ فِي السَّنَةِ الْخَامِسَةِ عَشْرَةَ مِنْ عُمْرِهِ

خَرِيدِن دَسْتْگَاهِ چَاپِي شُد وَ اَن رَا دَر وَاكِن كَالَاهَا قَرَار دَاد

كَتَبَ صَحِيفَةً أُسْبُوعِيَّةً وَ طَبَعَهَا فِي الْقِطَارِ.

رُوزْنامِه هَفْتْگِي نُوشت وَ اَن رَا دَر قِطَارِ چَاپ كَرَد

فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ انْكَسَرَتْ إِحْدَى رُحَاجَاتِ الْمَوَادِّ الْكِيمِيَاوِيَّةِ فِي الْمَطْبَعَةِ؛ فَحَدَّثَ

دَر يَكِي از رُوزْهَا يَكِي از شَبِشْهَهايِ مَوَادِّ شِيمِيَايِي دَر چَاپْخَانِه شِكِسْتِه شُد وَ آتِش سُوْزِي رُوي دَاد

حَرِيقٌ؛ فَطَرَدَهُ رَئِيسُ الْقِطَارِ، وَ عِنْدَمَا انْقَدَّ طِفْلًا مِنْ تَحْتِ الْقِطَارِ، جَعَلَهُ وَالِدُ الطِّفْلِ

وَ رَئِيسُ قِطَارِ او رَا بَه تَنْدِي رَانَد. وَ وَقْتِي كِه كُودُكِي رَا از زِيرِ قِطَارِ نَجَاتِ دَاد پَدَر كُودَكِ او رَا دَر شَرِكْتِش رَئِيسِ

رَئِيسًا فِي شَرِكْتِهِ.



كان إديسون مشغولاً في مُختَبَرِه لِيلاً وَ نهاراً.  
اديسون شب و روز در آزمایشگاهش مشغول بود.

هُوَ أَوَّلُ مَنْ صَنَعَ مُختَبِراً لِلْأبحاثِ الصَّنَاعِيَّةِ.  
او نخستین کسی بود که آزمایشگاهی برای پژوهشهای صنعتی ساخت.  
اخْتَرَعَ وَ كَمَّلَ إديسون أَكثَرَ مِنْ أَلْفِ اخْتِراعٍ.  
اديسون بیشتر از هزار اختراع مهم دارد.

مِهِم؛ مِنْهَا المِصباحُ الكَهْرَبائيُّ وَ المَسجَلُ وَ الصُّورَةُ  
از آن جمله چراغ برق، دستگاه ضبط کننده، عکسهای  
المُتَحَرِّكَةُ وَ آلَةُ السَّيْنِما وَ بَطَّارِيَةُ السَّيَّارةِ. إِنَّهُ قَدَّرَ  
متحرک، دستگاه سینما، باتری خودرو. او توانست

عَلَى تَأسیسِ أَوَّلِ شَرِكَةٍ لِتَوْزيعِ الطَّاقَةِ الكَهْرَبائيَّةِ.  
اولین شرکت توزیع نیروی برق را تاسیس کند  
وَ الطَّاقَةُ الكَهْرَبائيَّةُ فِي هَذَا العَصْرِ سَبَبٌ رَئِيسِيٌّ  
و نیروی برق در این عصر دلیل اصلی  
لِتَقَدُّمِ الصَّناعاتِ الجَدِيدَةِ.  
پیشرفت صنایع جدید است

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ  
أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا

قطعاً کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام دادند، همانا ما پاداش کسانی را که کار نیکو کنند تباه نمی کنیم

درستی یا نادرستی جمله های زیر را با توجه به متن درس معلوم کنید.

درست نادرست

١. عَدَدُ اخْتِراعاتِ إديسون سَبْعُونَ.    
تعداد اختراعات ادیسون هفتاد تا است
٢. إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ.    
قطعاً خداوند پاداش کسی را که به مردم سود رساند تباه نمی کند
٣. أَحَبُّ إديسون عِلْمُ الكِيمياءِ فِي صَغَرِه.    
ادیسون در خردسالی اش علم شیمی را دوست داشت
٤. سَاعَدَتْ أُمُّ إديسون وَ لَدَّها فِي الدِّرَاسَةِ.    
مادر ادیسون پیشش را در درس خواندن کمک کرد
٥. وَضَعَ إديسون آلَةَ الطَّباعةِ الَّتِي اشْتَرَاها فِي بَيْتِه.    
ادیسون دستگاه چاپی را که خریده بود در خانه اش قرار داد



هرگاه در جمله ای دو اسم پشت هم قرار گیرند ترکیب پدید می آورند و بردونوعند.

صفت

الف) ترکیب وصفی (موصوف و صفت) ← کتاب زیبا

ب) ترکیب اضافی (مضاف و مضاف الیه) ← کتاب علی

## ترکیب وصفی و ترکیب اضافی

### ترکیب وصفی ← (موصوف و صفت)



أَفَارُ رُحَّتِ جَمَشِيدٍ فِي مُحَافَظَةِ فَارِسِ

موصوف صفت

هَذَا أَثَرٌ تَارِيخِيٌّ فِي مُحَافَظَةِ كَبِيرَةٍ.

این اثر تاریخی در استان بزرگی است.



قَلْعَةٌ فَلَكِ الْأَفْلاكِ فِي مُحَافَظَةِ لُرِسْتانِ

موصوف صفت

هَذِهِ قَلْعَةٌ تَارِيخِيَّةٌ فِي مُحَافَظَةِ جَمِيلَةٍ.

این قلعه تاریخی در استان زیبایی است.

### ترکیب اضافی ← (مضاف و مضاف الیه)



مضاف مضاف الیه

تَمَثُّالُ الْعُلَمَاءِ فِي مَدِينَةِ بَغْدَادِ.

تندیس متنبی در شهر بغداد است.



مضاف مضاف الیه

تَمَثُّالُ الْعُلَمَاءِ فِي مَقَرِّ مَنْظَمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ.

تندیس های دانشمندان در جایگاه سازمان ملل متحد است.

- ۱- تندیس دانشمندان ایرانی در جایگاه سازمان ملل متحد در شهر وین کشور اتریش
- ۲- شاعر نامدار سده چهارم هجری قمری در روزگار خلافت بنی عباس، متولد کوفه

موصوف، اسمی است که برایش یک یا چند ویژگی می‌آوریم که صفت نامیده می‌شود.

مضاف، اسمی است که به اسم بعد از خودش (یعنی مضاف‌الیه) نسبت داده می‌شود؛ مثال:

موصوف و صفت	مضاف و مضاف‌الیه
موصوف صفت مُخْتَبِرٌ صَغِيرٌ	مضاف مضاف‌الیه مُخْتَبِرُ الْمَدْرَسَةِ
موصوف صفت الصَّنَاعَةُ الْجَدِيدَةُ	مضاف مضاف‌الیه صِنْعَةُ الْوَرَقِ
موصوف صفت طَلَابٌ مُجْتَهِدُونَ	مضاف مضاف‌الیه طُلَّابُ الْجَامِعَةِ
مضاف مضاف‌الیه حَقِيبَةُ الْمُعَلِّمِ	مضاف مضاف‌الیه حَقِيبَتُهُ

این مورد ترکیب اضافی است که کتاب به اشتباه اینجا نوشته است

ترکیب مخلوط «اضافی - وصفی» در ترجمه این نوع ترکیب ها از تکنیک یک سه دو استفاده می‌کنیم

ابتدا 1 سپس 3 سپس 2 را ترجمه می‌کنیم

به ترجمه ترکیب‌های زیر در جمله دقت کنید:

۱. سَاعَدَتُ أَخْتِي الْكَبِيرَةَ جَدَّتَنَا.

خواهر بزرگم به مادر بزرگمان کمک کرد.

۲. نَادَيْتُ أَخِي الْأَصْغَرَ لِكِتَابَةٍ وَاجِبَاتِهِ.

برادر کوچک‌ترم را برای نوشتن تکلیف‌هایش صدا زدم.

۱- ضمیر در دستور زبان عربی، اسم به شمار می‌آید.

۲- در ارزشیابی از این قاعده، فقط باید از مثال‌هایی مانند کتاب استفاده کرد.

توجه: در زبان عربی - برخلاف فارسی - بین مضاف و مضاف‌الیه، صفت قرار نمی‌گیرد؛ مثال:

عُرَفْتِي: اتاقم (مضاف + مضاف‌الیه)

عُرَفْتِي الصَّغِيرَةَ (مضاف + مضاف‌الیه + صفت)

اتاق کوچک (مضاف + صفت + مضاف‌الیه)

الف) جمله‌های زیر را ترجمه کنید.

۱. لَبِسْتُ أُمَّي خَاتَمَهَا الذَّهَبِيَّ فِي حَفْلَةِ مِيلَادِ أَخِي الْأَكْبَرِ.

مادرم در جشن تولد برادر بزرگترم انگشتر طلایش را پوشید (دستش کرد)

۲. شَجَعْنَا فَرِيقَنَا الْفَائِزَ فِي نَهَائَةِ الْمُسَابَقَةِ.

تیم برنده مان را در پایان مسابقه تشویق کردیم

۳. قَسَمْتُ مَزْرَعَتَنَا الْكَبِيرَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ.

مزرعه بزرگمان را به دو قسمت تقسیم کردی

۴. هُوَ يَعْمَلُ بِوَأَجِبَاتِهِ الْمَدْرَسِيَّةِ.

او تکالیف مدرسه اش را انجام می‌دهد

۵. كَانَتْ سَفَرْتُنَا الْعِلْمِيَّةَ مُفِيدَةً.

سفر علمی مان مفید بود

۶. أَشْكُرُكَ عَلَى عَمَلِكَ الصَّالِحِ.

به خاطر کار نیکت از تو تشکر می‌کنم

ب) مضاف‌الیه و صفت را در کلماتی که زیرشان خط کشیده شده است، معلوم کنید.

## الْتَمَارِين

### ١ التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:

درستی یا نادرستی هر جمله را بر اساس حقیقت بنویسید.

درست

١. «الشَّرْكَه» مُؤَسَّسَةٌ تِجَارِيَّةٌ أَوْ اِقتِصَادِيَّةٌ يَعْمَلُ فِيهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ. شرکت یک مؤسسه تجاری یا اقتصادی است که بسیاری از مردم در آن کار میکنند

نادرست

٢. «الْقَطَارُ» مَكَانٌ بَيْعِ البَضَائِعِ مِثْلُ المَلَابِسِ وَ الفَوَاكِه. قطار محل فروش کالاها می مثل لباسها و میوه هاست

نادرست

٣. «المَطْبَعَةُ» مَخْرَنٌ لِحَفِظِ المَوَادِّ الغِذَائِيَّةِ كَالخُبْزِ. چاپخانه انباری برای نگهداری مواد غذایی مانند نان است

درست

٤. «الطَّفُولَةُ» هِيَ السَّنَوَاتُ الْأُولَى مِنْ حَيَاةِ الْإِنْسَانِ. کودکی سالهای اولیه زندگی انسان است

درست

٥. «الصَّاعِقَةُ» كَهْرَبَاءٌ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَعَ الرَّعْدِ. صاعقه برقی است که همراه رعد از آسمان پایین می آید

### ٢ التَّمْرِينُ الثَّانِي:

جمله های زیر را ترجمه کنید؛ سپس مضاف الیه و صفت را در کلماتی که زیرشان

خط کشیده شده است، معلوم کنید.



صفت

صفت

جُنُودُنَا الْأَقْوِيَاءُ، جُنُودٌ مُؤْمِنُونَ.

سربازان نیرومندان، سربازان با ایمانی هستند



مضاف الیه

مَسْجِدُ الْإِمَامِ، أَثَرٌ قَدِيمٌ فِي مَحَافِظَةِ

مضاف الیه

إِصْفَهَانَ.

مسجد امام یک اثر قدیمی در استان اصفهان است





صفت

الْجِسْرُ الْأَيْصُّ، عَلِيٌّ  
مُضَافٌ إِلَيْهِ  
تَهْرُ كَارُونِ.

... پل سفید، بر روی رودخانه کارون است.



مُضَافٌ إِلَيْهِ

مَرَقَدُ الْعَالِمِ الْإِيرَانِيِّ ابْنِ سِينَا فِي  
مُضَافٌ إِلَيْهِ  
مَدِينَةِ هَمْدَانَ.

قبر دانشمند ایرانی ابن سینا، در شهر همدان است.

### ۳ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ:



کلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید.

دیوانه	عَاقِلٌ	خوابید	خوابید	موفق	مردود
مَجْنُونٌ	عَاقِلٌ	رَقَدَ	نَامَ	نَاجِحٌ	رَاسِبٌ
ایستادن	نَشِئْتَنُ	باز کرد	بست	کوتاه	دراز
قِيَامٌ	جُلُوسٌ	فَتَحَ	سَدَّ	قَصِيرٌ	طَوِيلٌ
آمد	آمد	آسان	سخت	قرار داد	قرار داد
أَتَى	جَاءَ	سَهَّلَ	صَعَّبَ	جَعَلَ	وَضَعَ
کوبید	کوبید	زیبا	زشت	دوستان	دشمنان
طَرَقَ	قَرَعَ	جَمِيلٌ	قَبِيحٌ	أَصْدِقَاءٌ	أَعْدَاءٌ

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

نجات داد اصلی آتش گرفت چاپ کرد هزینه ها روزنامه کالاهای  
 أَنْقَذَ - رَيْسِي - احْتَرَقَ - طَبَعَ - نَفَقَاتُ - الصَّحِيفَةُ - بَضَائِعَ

۱. كَانَتْ ..... **نَفَقَاتُ** ..... الجامعةِ غاليةً و ما كُنْتُ قادراً على دفعِها وِحدِي.  
 هزینه های دانشگاه خیلی گران بود و به تنهایی قادر به پرداخت آن نبودم
۲. اِنْكَسَرَتْ اِحْدَى الرُّجَاجَاتِ فِي المُخْتَبَرِ؛ فَاحْتَرَقَ ..... كُلُّ الأَشْيَاءِ.  
 یکی از شیشه های در آزمایشگاه شکست پس همه چیز آتش گرفت
۳. يَجْلِبُ التَّاجِرُ ..... **بَضَائِعَ** ..... جَدِيدَةً إِلَى دُكَّانِهِ لِلْبَيْعِ.  
 تاجر کالاهای جدیدی برای فروختن به مغازه اش می آورد
۴. يَبْدَأُ والِدِي يَوْمَهُ بِقِرَاءَةِ ..... **الصَّحِيفَةِ** ..... دَائِماً.  
 پدرم همیشه روزش را با خواندن روزنامه شروع می کند
۵. **أَنْقَذَ** ..... إِدِيسُونُ طِفْلاً مِنْ تَحْتِ القِطَارِ.  
 ادیسون کودکی را از زیر قطار نجات داد

فعل های زیر را مانند مثال ترجمه کنید.

ماضی منفی	مضارع منفی	مستقبل (آینده)	امر	نهی
ما دَهَبَ: نَرَفَت	لا يَدُهَبُ: نَمِي رُود	سَيَدُهَبُ: خَواهد رفت	اِذُهَبُ: بَرُو	لا تَدُهَبُ: نَرُو
ما شَرَبوا: نَنوَشيدند	لا يَشْرَبُونَ: نَمِي نَوشند	سَيَشْرَبُونَ: خَواهند نوشيد	اِشْرَبوا: بَنوَشيد	لا تَشْرَبوا: نَنوَشيد
ما عَسَلَ: نَنُشِت	لا يَعْسَلُ: نَمِي شويد	سَوَف يَعْسَلُ: خَواهد شست	اِعْسَلُ: بَشور	لا تَعْسَلُ: نَشور

## گَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ؛ فَإِنَّهُ نَوْرُ الْقَلْبِ.

تو باید خدا را یاد کنی. زیرا او نور قلب است.

۲. جَلِيسُ السَّوْءِ شَيْطَانٌ.

همنشین بد، شیطان است.

۳. الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ.

دنیا مزرعه آخرت است.

۴. الْعِلْمُ كَنْزٌ عَظِيمٌ.

دانش، گنجی بزرگ است.

۵. النَّوْمُ أَحْوُ الْمَوْتِ.

خواب برادر مرگ است.



تحقیق کنید و یک فرد را که با تلاش بسیار در زندگی موفق شده و به بشریت خدمت کرده است، در کلاس معرفی کنید.

تحقیق کنید

۱- الْحَدِيثُ الْأَوَّلُ إِلَى الرَّابِعِ مِنْ أَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْحَدِيثُ الْخَامِسُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ



## اَلْقُرْآنَات

مَا الْفَرْقُ بَيْنَ السُّورِ الْمَكِّيَّةِ وَ السُّورِ الْمَدَنِيَّةِ؟ **فرق بین سوره های مکی و مدنی چیست؟**

السُّورُ الْمَكِّيَّةُ نَزَلَتْ قَبْلَ الْهَجْرَةِ إِلَى الْمَدِينَةِ، **سوره های مکی قبل از هجرت به مدینه نازل شده است**

وَأَعْلَبُهَا **يَدُورُ عَلَى** بَيَانِ الْعَقِيدَةِ، **بیشترشان حول بیان عقیده می چرخد (درباره بیان عقیده است)**

أَمَّا السُّورُ الْمَدَنِيَّةُ نَزَلَتْ بَعْدَ الْهَجْرَةِ، **اما سوره های مدنی بعد از هجرت نازل شده است**

وَيَكْثُرُ فِيهَا بَيَانُ الْأَحْكَامِ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ. **و بیشتر آنها بیان احکام حلال و حرام است**



٠٩٢١٩١٠١٨٦٨

تهیه و تنظیم: میلاد عیوضی سرگروه عربی استان اردبیل



درس هشتم

# الدَّرْسُ الثَّامِنُ

مكة مکرمه (گرامی داشته شده)

مَكَّةُ الْمُكْرَمَةِ





# الدَّرْسُ الثَّامِنُ

المُعْجَم: (۱۵ کلمه جدید)

کارگر	کارگران «مفرد: عامِل»	جمع مکسر عُمَال:	بیرون آورد بِیْرُونِ مِیْ أَوْرَدَ (مضارع: یَسْتَخْرِجُ)	إِسْتَخْرَجَ:	فعل ماضی
کار می کردم	أَشْتَغِلُ: کار می کنم	کُنْتُ أَشْتَغِلُ:	کار کرد کَارِ مِیْ کُنَدَ (مضارع: یَسْتَعْمَلُ)	إِسْتَعْمَلَ:	فعل ماضی
اشکالی ندارد	لا بُأْسَ:	لا شُكْرَ عَلَی الْوَاجِبِ:	چاه	بِئْر:	
وظیفه بود؛ تشکر لازم نیست	ما کَانَ عِنْدِی ما کَانَتْ عِنْدِی:	مُتَحَف:	بیا	تَعَالَ:	
موزه	گرمی داشته شده	مُكْرَم:	سی	ثَلَاثُونَ، ثَلَاثِينَ:	
پول، پولها	جمع مکسر نُقُود:	سَیَّارَةُ الْأَجْرَةِ:	راهنما	دَلِيل:	
		تاکسی			



## حَوَارِ بَيْنَ الزَّائِرِ وَ سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأُجْرَةِ

گفت و گو میان زائر و راننده تاکسی

- السَّلَامُ عَلَیْكُمْ. سلام بر شما
- عَلَیْكُمْ السَّلَامُ؛ أَيْنَ تَذْهَبُونَ؟ سلام بر شما؛ کجا می روید؟
- نَذْهَبُ إِلَى الْمُتَحَفِ مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ. به موزه مکه مکرمه می رویم.
- أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ. تَفَضَّلُوا. اِرْكَبُوا. خوش آمدید بفرمایید سوار شوید.
- كَمْ رِيالًا تَأْخُذُ مَا؟ چند ریال از ما می گیری؟
- عَفْوًا؛ ثَلَاثُونَ رِيالًا. لِكُلِّ زَائِرٍ عَشْرَةُ رِيالَاتٍ. ببخشید سی ریال برای هر زائر ده ریال.
- نَعَمْ. لَا بَأْسَ. يَا شَبَابُ، هَلْ أَنْتُمْ إِيْرَانِيُونَ؟ آریه گران است ما سه نفر هستیم.
- هَلْ تَقْبَلُ التَّقْوِيمَ الْإِيْرَانِيَّةَ؟ آیا پول ایرانی قبول می کنی؟
- نَعَمْ وَ مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ بله و تو اهل کجا هستی؟
- أَرَأَيْتَ الْمُتَحَفَ حَتَّى الْآنَ؟ آیا تاکنون موزه را دیده ای؟
- لِمَاذَا مَا ذَهَبْتَ إِلَى هُنَاكَ؟ چرا به آنجا رفتی؟
- عَفْوًا؛ كَمْ السَّاعَةُ؟ ببخشید ساعت چند است؟
- تَعَالِ مَعَنَا؛ ثُمَّ نَرْجِعُ مَعًا؛ هَلْ تَقْبَلُ؟ همراه ما بیا. سپس با هم برمی گردیم. آیا می پذیری؟
- لَا؛ مَا رَأَيْتُهُ مَا كَانَتْ عِنْدَ فُرْصَةٍ. نه؛ ندیده ام آن را. فرصت نداشتم
- لَأَنِّي أَشْتَغَلُ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى الْمَسَاءِ. زیرا من از صبح تا شب کار می کنیم.
- الْعَاشِرَةُ تَمَامًا. ده تمام
- لَا؛ لَا أَقْدِرُ. شُكْرًا جَزِيلًا. نه؛ نمی توانم. بسیار ممنونم.

## جَوَارُ بَيْنَ الزَّائِرِ وَ دَلِيلِ الْمُتَحَفِّ

گفت و گو میان زائر و راهنمای موزه

- ماذا في هذا المتحف؟  
در این موزه چه چیزی هست؟
- ما ذلك العمود؟  
و این ستون چیست؟
- و ما هذه الآثار؟  
و این آثار چیست؟
- الآثار التاريخية للحرمين الشريفين.  
آثار تاریخی دو حرم شریف.
- العمود الخشبي للعبة.  
ستون چوبی کعبه.
- باب المنبر القديم للمسجد النبوي؛  
درب منبر قدیمی مسجد پیامبر.
- آثار بنو زمر؛ صور الحرمین و مقبره  
آثار چاه زمر، نساویر حرمین شریفین و مقبره
- البقيع و آثار زيبای دیگر.  
البقيع؛ و آثار زیبای دیگر.
- لا شكر على الواجب.  
وظیفه بود؛ نیازی به تشکر نیست
- أشكرك على توضيحاتك المفيدة.  
به خاطر توضیحات سودمندتان سپاسگزارم.

درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با توجه به متن درس معلوم کنید.

درست نادرست

- |                                     |                                     |
|-------------------------------------|-------------------------------------|
| <input checked="" type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>            |
| <input checked="" type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>            |
| <input checked="" type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>            |
| <input type="checkbox"/>            | <input checked="" type="checkbox"/> |
| <input type="checkbox"/>            | <input checked="" type="checkbox"/> |

۱. الزُّوَارُ يَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ.  
زائران به شهر مدینه منوره می روند.
۲. الزُّوَارُ الْإِيرَانِيُّونَ رَكَبُوا حَافِلَةَ الْفُنْدُقِ.  
زائران ایرانی سوار اتوبوس هتل شدند.
۳. السَّائِقُ يَشْتَغَلُ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى الظُّهْرِ.  
راننده از صبح تا ظهر کار می کرد.
۴. أَخَذَ سَائِقُ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ ثَلَاثِينَ رِيَالًا مِنَ الزُّوَارِ.  
راننده تاکسی سی ریال از زائران دریافت کرد.
۵. فِي الْمُتَحَفِّ آثَارٌ تَارِيخِيَّةٌ لِلْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ.  
در موزه آثار تاریخی دو حرم شریف وجود دارد



## ماضی استمراری

معادل فعل ماضی استمراری در زبان عربی ← (كانوا يَفْعَلُونَ = انجام می دادند)

ماضی استمراری: نشان دهنده کاری است که در گذشته چند بار تکرار شده است؛

مثال: می نوشتند: كانوا يَكْتُبُونَ

كانَ + فعل مضارع ← معادل ماضی استمراری در فارسی

يَذْهَبَانِ: می روند ← مضارع  
كانا يَذْهَبَانِ: می رفتند ← ماضی استمراری



يَذْهَبُ: می رود ← مضارع  
كانَ يَذْهَبُ: می رفت ← ماضی استمراری



أَلْبِنْتَانِ كَانَتَا تَكْتُبَانِ واجباتهما.  
دو دختر تکالیفشان را می نوشتند.

الطُّلَابُ كَانُوا يَدْرُسُونَ بِدِقَّةٍ.  
دانش آموزان با دقت درس می خواندند.

فعل «كانَ» هرگاه پیش از فعل مضارع بیاید، معادل «ماضی استمراری»

در فارسی ترجمه می شود؛ مثال:

﴿وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ النحل: ۳۳

و خدا به آنها ستم نکرد، ولی خود به خویشان ستم می کردند.

با توجه به آنچه خواندید جمله‌های زیر را ترجمه کنید.

۱. ﴿... كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ الْأَنْعَام: ۱۲۷

انجام می‌دادند

۲. ﴿... كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ...﴾ الْمَائِدَة: ۷۰

غذا را می‌خوردند

۳. ﴿... وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ﴾ الْمَائِدَة: ۶۱

خدا به آنچه پنهان می‌کنند دانایتر است

۴. ﴿... كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ...﴾ الْبَقَرَة: ۷۰

گروهی از آنها کلام خدا را می‌شنیدند.

۵. ﴿كَانَ طُلَّابُ الْجَامِعَةِ يَدْرُسُونَ فِي الْمَكْتَبَةِ.

دانشجویان دانشگاه در کتابخانه درس می‌خواندند.

## الْتَّمَارِين

### ۱ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

درستی یا نادرستی هر جمله را بر اساس واقعیت بنویسید.

نادرست

۱. دَلِيلُ الْمُتَحَفِ يَسْتَخْلِفُ فِي مَصْنَعِ الْأَبْوَابِ وَ النَّوَافِذِ.

درست

۲. أَلْبَسْتُ حَفْرَةَ عَمِيقَةً فِي الْأَرْضِ فِيهَا مَاءٌ أَوْ غَيْرُهُ.

نادرست

۳. فِي الْمَتْحَفِ آثَارٌ تَارِيخِيَّةٌ لِلْبَيْعِ وَ الشَّرَاءِ.

درست

۴. الْبَطَّارِيَّةُ مَخْزَنُ الْكَهْرَبَاءِ فِي السَّيَّارَةِ.

درست

۵. بَيْتُ اللَّهِ فِي مَكَّةَ الْمَكْرَمَةِ.

خانه خدا در مکه مکرمه است.

## ۲ التَّمْرِينُ الثَّانِي:

بخوانید و ترجمه کنید.



كَانَ أَخِي الصَّغِيرُ يَكْتُبُ وَاجِبَاتِهِ؛  
فَأَخَذَهُ النَّوْمَ.

برادر کوچکم تکالیفش را می نوشت  
پس خوابش گرفت

كَانَ الْعُمَّالُ يَصْنَعُونَ بَيْتًا وَ هُمْ الْآنَ  
وَاقِفُونَ.

کارگران خانه ای می ساختند آنها الان  
ایستاده اند

## ۳ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ:

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

سوار می شوند کار می کند پول ها بیا چاه بفرما راهنما  
يَرْكَبُونَ - يَشْتَغِلُ - نُقُودٍ - تَعَالَ - الْبَيْرِ - تَفْضُلٌ - دَلِيلٌ

۱. أَيْنَ ..... أَخُوكَ الْأَكْبَرُ؟ - هُوَ يَعْمَلُ فِي مُنْظَمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ.

برادر بزرگترت در کجا کار میکند؟ او در سازمان ملل کار میکند.

۲. أَلَدْرَهْمُ وَ الدِّينَارُ وَ الرِّيَالُ وَ اللِّيرَةُ أَسْمَاءُ ..... نُقُودٍ .

درهم و دینار و ریال و لیره اسمهای پول هستند.

۳. حُجَّاجُ الْقَافَلَةِ بِحَاجَةِ الْإِلَى ..... الدَّلِيلِ السَّفَرِ.

حاجیان کاروان به راهنمای سفر نیاز دارند.

۴. اسْتَخْرَجَ الْفَلَّاحُونَ مَاءً مِنْ ..... الْبَيْرِ لِلزَّرَاعَةِ.

کشاورزان برای کشاورزی آبی از چاه استخراج میکنند.

۵. كَانَ التَّلَامِيذُ ..... يَرْكَبُونَ حَافِلَةَ الْمَدْرَسَةِ.

دانش آموزان سوار اتوبوس مدرسه می شدند.



## ۴ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ:

جدول زیر را کامل کنید.

می شنید	كَانَ يَسْمَعُ	می شنود	يَسْمَعُ	شنید	سَمِعَ
نجات می داد	كَانَ يُنْقِذُ	نجات می دهد	يُنْقِذُ	نجات داد	أَنْقَذَ <sup>هو</sup>
کار می کردند	كَانُوا يَشْتَغِلُونَ	کار می کنند	يَشْتَغِلُونَ	کار کردند	إِشْتَغَلُوا <sup>هما</sup>
تلاش می کردند	كَانُوا يُحَاوِلُونَ	تلاش می کنند	يُحَاوِلُونَ	تلاش کردند	حَاوَلُوا <sup>هم</sup>
حاضر می شدند	كَانُوا يَحْضُرُونَ	حاضر می شوند	يَحْضُرُونَ	حاضر شدند	حَضَرُوا <sup>هما</sup>
کمک می کردند	كَانُوا يُسَاعِدُونَ	کمک می کنند	يُسَاعِدُونَ	کمک کردند	سَاعَدُوا <sup>هم</sup>

## ۵ التَّمْرِينُ الْخَامِسُ:

هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «دو کلمه اضافه است.»

- برق ۱. الْكَهْرَبَاءُ
- باران ۲. الْمَطَرُ
- ساختمان ۳. الْبِنَايَةِ
- اصلی ۴. الرَّئِيسِيُّ
- دشمن ۵. الْأَعْدُوْ
- کشاورز ۶. الْفَلَّاحُ
- آتش ۷. النَّارُ
- طاقةٌ تَشْتَغَلُ بِهَا الْأَلَاتُ وَ الْأَدَوَاتُ الصَّنَاعِيَّةُ.  
نیروی است که با آن ابزارها و ادوات صنعتی کار می کند
- هُوَ الَّذِي لَا يَطْلُبُ لَكَ الْخَيْرَ بَلْ يَطْلُبُ الشَّرَّ.  
او کسی است که برای تو خیر و خوبی نمی خواهد بلکه شر را می خواهد
- قَطْرَاتُ الْمَاءِ الَّتِي تَنْزِلُ مِنَ السَّحَابِ.  
قطره های آبی که از ابر پایین می آید
- نَتِيجَةُ احْتِرَاقِ الْحَشَبِ وَ غَيْرِهِ.  
نتیجه سوختن چوب و غیره
- مَنْ يَعْمَلُ فِي زِرَاعَةِ الْأَرْضِ.  
کسی که در کاشت زمین کار می کند

زیر هر تصویر نام آن را به عربی بنویسید.

آبشارهای شوشتر      قیر بایزید      پل گاو میشان      بازار کرمان  
شَلالاتُ شوشتر - مَرَقْدُ بایزید - جِسْرُ جاو میشان - سَوَقُ کرمان -

غابهٔ ارسباران - عین بیستون  
جنگل ارسباران      چشمه بیستون



۳ - شَلالاتُ شوشتر

۲ - سَوَقُ کرمان

۱ - جِسْرُ جاو میشان



۶ - مَرَقْدُ بایزید

۵ - غابهٔ ارسباران

۴ - عین بیستون

با استفاده از کلمات زیر، جدول را حل کنید و رمز آن را به دست بیاورید.  
 شیمیایی ابزارها مسلمان پولها همنشینیها تلاشها پروندهها گلهای بیرون آورد آرزو می کنم  
 کیمیاوی - آدوات - مُسَلِم - نُفُود - مُجَالَسَات - مُحَاوَلَات - مَلَقَات - أَزْهَار - اسْتَخْرَج - اَتَمَنَتِي -  
 اشکالی ندارد گذرگاه بیا سازمانها دشمنان کشاورزی بفرمادانش آموزان سی ای کاش تحصیلی  
 لا باس - مَمَرٌ مَشَاه - تَعَال - مُنْتَظَمَات - اَعْدَاء - زِرَاعَة - تَفَضَّل - تَلْمِيذَات - ثَلَاثُونَ - يَالَيْتَ - دِرَاسِي

رمز					
	م	ل	س	م	۱. مسلمان
ک	ی	م	ی	ا	۲. شیمیایی
	ا	و	ا	ن	۳. ابزارها
	ت	ع	ا	ل	۴. بیا
م	ج	ا	ل	س	۵. همنشینیها
	ن	ق	و	د	۶. پول
م	ح	ا	و	ل	۷. تلاشها
	ا	ت	م	ن	۸. آرزو می کنم
ا	س	ت	خ	ر	۹. بیرون آورد
س		ل	ا	ب	۱۰. اشکالی ندارد
	ا	ع	د	ا	۱۱. دشمنان
	م	ن	ظ	م	۱۲. سازمانها
	ا	ز	ه	ا	۱۳. شکوفهها
م	م	م	ر	ش	۱۴. گذرگاه پیاده
	م	ل	ف	ا	۱۵. پروندهها
ت	ل	م	ی	ز	۱۶. دانش آموزان (دختر)
	ث	ل	ا	ث	۱۷. سی
	ی	ا	ل	ی	۱۸. ای کاش
	د	ر	ا	س	۱۹. تحصیلی
	ت	ف	ض	ل	۲۰. بفرما
ة		ز	ر	ا	۲۱. کشاورزی

رمز: سید ..... القوم ..... خادمهم ..... فی ..... السفر ..... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

(بزرگ قوم در سفر خدمتگزارشان است)

## گَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

الأَحَبُّ إِلَيَّ اللهُ (محبوب ترین نزد خداوند) مِنْ كَلَامِ رَسُولِ اللهِ ﷺ

۱. « أَحَبُّ الطَّعَامِ إِلَى اللَّهِ مَا كَثُرَتْ عَلَيْهِ الأَيْدِي. »

محبوب ترین غذا نزد خدا آن است که دستها بر آن زیاد باشد.

۲. « أَحَبُّ بُيُوتِكُمْ إِلَى اللَّهِ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ مُكْرَمٌ. »

محبوب ترین خانه هایتان نزد خدا خانه ای است که در آن یتیمی گرامی داشته شود.

۳. « أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيَّ اللَّهُ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. »

محبوب ترین بندگانی خدا نزد خداوند سودمندترین آنها به بندگانش است.

۴. « أَحَبُّ الأَعْمَالِ إِلَيَّ اللَّهُ حِفْظُ اللِّسَانِ. »

محبوب ترین کارها نزد خداوند حفظ زبان است.



یک گفت‌وگو در سفری زیارتی بیابید و آن را با هم گلاسی هایتان اجرا کنید. از

اجرای کارتان فیلم بگیرید و به دبیرتان ارائه دهید.

تحقیق کنید

٠٩٢١٩١٠١٨٦٨

تهيه و تنظيم: ميلاد عيوضى سر گروه عربى استان اردبيل

Arabi\_7\_8\_9

كانال عربى متوسطه عيوضى



درس نهم

## الدرس التاسع



تأثير الألوان  
تأثير رنگها



# الدَّرْسُ التَّاسِعُ

الْمُعْجَم: (٢٦ كلمة جديد)

سَخَاء (سَخَاوَةٌ):	بخشندگی
سَمَاوِيٌّ:	آسمانی
طَارَجٌ:	تازه
طَيَّارٌ:	خلبان
عَصِيرُ الْفَاكِهَةِ:	آبمیوه
غَارَةٌ:	حمله «غارات لَيْلِيَّةٌ: حملات شبانه»
قَشْرٌ:	پوست
قَلٌّ:	کم شد (مضارع: يَقِلُّ) <b>کم می شود</b>
لَيْمُونٌ:	لیمو
مُجَفَّفٌ:	خشک، خشک شده
مِشْمِشٌ:	زردآلو
مُهْدِيٌّ:	آرام بخش
وَرَعٌ:	پارسایی

أَحْسَنُ:	بهتر، بهترین
إِعْتَقَدَ:	اعتقاد داشت (مضارع: يَعْتَقِدُ) <b>اعتقاد دارد</b>
أَمَكَّنَ:	امکان داشت (مضارع: يُمَكِّنُ) <b>امکان دارد</b>
إِنْتَبَاهَ:	توجه
بَنَفَسَجِيٌّ:	بنفش
تَعَبٌ:	خستگی
تَعْوِيضٌ:	جبران کردن
تَلْوِينٌ:	رنگ آمیزی
تَنَآوَلَ:	خورد (مضارع: يَتَنَآوَلُ / مصدر: تَنَآوَلَ) <b>می خورد خوردن</b>
جَزَّرَ:	هویج
حَرَكَ:	تحریک کرد (مضارع: يُحَرِّكُ) <b>تحریک می کند</b>
حَلِيبٌ:	شیر
خَطَأٌ:	خطا «جمع: أَخْطَاءٌ / خَطْوَةٌ: خطایش» <b>خطاها</b>

فعل ماضی

فعل ماضی

فعل ماضی

فعل ماضی

قَلٌّ ≠ كَثُرَ



نصوص حول الصّحة

متن هایی درباره سلامتی (بهداشت)

أَفْضَلُ الْأَلْوَانِ: بَعْضُ النَّاسِ يَظُنُّونَ بِأَنَّ الْأَلْوَانَ لِلتَّلْوِينِ أَوْ لِلرَّسْمِ أَوْ لِلتَّرْزِينِ فَقَطُّ. **بهترین رنگها: برخی از مردم گمان می کنند که رنگها تنها برای رنگ آمیزی یا نقاشی کردن یا تزئین هستند** وَلَكِنْ هَلْ سَأَلْنَا أَنْفُسَنَا يَوْمًا: **ولی آیا روزی از خودمان پرسیده ایم:**

«هَلْ يُمَكِّنُ مُعَالَجَةَ الْأَمْرَاضِ بِالْأَلْوَانِ؟ مَا هُوَ تَأْثِيرُ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلَفَةِ؟» **آیا درمان بیماری ها با رنگ ها ممکن است؟ تأثیر رنگهای مختلف چیست؟**

يَعْتَقِدُ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ أَنَّ لِلْأَلْوَانَ تَأْثِيرًا عَلَيْنَا. إِنَّ أَحَبَّ الْأَلْوَانِ إِلَى الْعَيْنِ، الْأَلْوَانَ الطَّبِيعِيَّةَ **برخی از دانشمندان بر این باورند که رنگها بر ما تأثیر دارند. قطعاً محبوبترین رنگها برای چشم رنگهای طبیعی ای است** الَّتِي نَشَاهِدُهَا حَوْلَنَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهِيَ اللَّوْنُ الْأَخْضَرُ وَاللَّوْنُ الْأَزْرَقُ السَّمَاوِيُّ **که شیب و روز در پیرامون خودمان مشاهده میکنیم و عبارتند از: رنگ سبز و رنگ آبی آسمانی** ثُمَّ اللَّوْنُ الْأَصْفَرُ مِثْلَ لَوْنِ بَعْضِ أَوْرَاقِ الْخَرِيفِ. **سپس رنگ زرد. مانند رنگ بعضی برگهای پاییزی.**

أَمَّا النَّوْرُ الْأَحْمَرُ، فَتَبَشَّرُ بِالْتَّبَعِ عِنْدَمَا نَنْظُرُ إِلَيْهِ؛ لِأَنَّهُ يُحَرِّكُ الْأَعْصَابَ. فَقَانُونَ **اما رنگ قرمز، وقتی به آن نگاه میکنیم احساس خستگی میکنیم، زیرا اعصاب را تحریک میکند. پس در قانون** الْمُرُورِ يَسْتَعْدِمُهُ فِي الْأَمَاكِنِ الَّتِي بِحَاجَةِ إِلَى الْإِتْبَاهِ كَالْإِشَارَاتِ الْمُرُورِ؛ أَمَّا عَرَفُ **راهنمایی و رانندگی در جاهایی که نیاز به توجه دارد، مانند علامتهای راهنمایی و رانندگی آن را به کار میگیرند** النَّوْمِ، فَأَلْفَضَلُ فِيهَا اسْتِخْدَامُ الْأَلْوَانِ الْمُهْدِئَةِ لِلْأَعْصَابِ كَاللَّوْنِ الْبَنَفْسَجِيِّ. **اما اتاقهای خواب بهتر است که در آن رنگهای آرام بخش اعصاب مثل رنگ بنفش به کار گرفته شود.**

ویتامین A: (A)

مِنْ فَوَائِدِ فَيْتَامِينِ «A» زِيَادَةُ وَزْنِ الْأَطْفَالِ وَ هُوَ مُفِيدٌ لِلْعَيْنِ وَ كَانَ الطَّيَّارُونَ فِي **از فواید ویتامین «A» افزایش وزن کودکان است. این ویتامین برای چشم مفید است و خلبانها در** الْحَرْبِ الْعَالَمِيَّةِ الثَّانِيَةِ يَتَنَاوَلُونَهُ قَبْلَ ابْتِدَاءِ الْغَارَاتِ اللَّيْلِيَّةِ وَ هَذَا **جنگ جهانی دوم پیش از آغاز حملات شبانه میخوردند** الْفَيْتَامِينِ مَوْجُودٌ فِي النَّبَاتَاتِ وَالْفَوَاكِهِ بِاللَّوْنِ الْأَصْفَرِ كَالْمِشْمِشِ **و این ویتامین در گیاهان و میوه های زرد رنگ مانند زردآلو،** وَ الْجَزْرِ وَ قِشْرِ الْبُرْتَقَالِ. **و هویج و پوست پرتغال موجود است**



ویتامین (C): ویتامین ث

يُوجَدُ هَذَا الْفَيْتَامِين فِي الْحَلِيبِ الطَّازِجِ، وَلَكِنَّهُ لَا يُوَجَدُ فِي الْحَلِيبِ الْمُجَفَّفِ وَ  
این ویتامین در شیر تازه وجود دارد، ولی در شیر خشک وجود ندارد  
الأطفال الذين يتناولونه وُجَدَهُ، فِي أَكْثَرِ الْأَوْقَاتِ يَحْدُثُ لَهُمْ ضَعْفٌ فِي السَّاقَيْنِ. وَ  
و کودکانی که فقط آن را می خورند در بیشتر مواقع ناتوانی در ساقی ها برایشان اتفاق می افتد  
يُمْكِنُ تَعْوِيضُ هَذَا النِّقْصِ فِي التَّغْذِيَةِ بِتَنَاوُلِ عَصِيرِ اللَّيْمُونِ أَوْ عَصِيرِ الْبَرْتَقَالِ.  
و جبران این کمبود در تغذیه با خوردن آب لیمو یا آب پرتغال ممکن می شود



❌✅ با توجه به متن درس، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را معلوم کنید.

درست نادرست

1. كان الطيارون في الحرب العالمية الثانية يتناولون فيتامين «A»  
خلبانان در جنگ جهانی دوم قبل از شروع حملات شبانه ویتامین A می خوردند  
قبل ابتداء الغارات الليلية.
2. يُمكنُ تَعْوِيضُ الضَّعْفِ فِي السَّاقَيْنِ فِي الْأَطْفَالِ بِتَنَاوُلِ الرُّزِّ.  
جبران ناتوانی ساقی های کودکان با خوردن برنج ممکن میشود.
3. الْأَسْوَدُ أَفْضَلُ لَوْنٍ مُهْدِئٍ لِلْأَعْصَابِ فِي عُرْفِ النَّوْمِ.  
رنگ سیاه برترین رنگ آرام بخش اعصاب در اتاق خواب است
4. لَا يَعْتَقِدُ الْعُلَمَاءُ أَنَّ لِلْأَلْوَانِ تَأْثِيرًا عَلَيْنَا.  
دانشمندان به اینکه رنگ ها بر ما تاثیر دارد اعتقاد ندارند
5. يُوَجَدُ فَيْتَامِين «C» فِي الْحَلِيبِ الطَّازِجِ.  
ویتامین "سی" در شیر تازه گاو وجود دارد

نکته: در ساعت خوانی اعداد ترتیبی مونث بکار می بریم. به جز اول که بجاش عدد اصلی «واحدة» بکار می بریم

مفهوم دو حرف در ساعت خوانی: **وَ** : گذشته **إِلا** : مانده



ساعت خوانی

ساعت خوانی ← (الْخَامِسَةُ ٥ - الْخَامِسَةُ وَالرُّبْعُ ٥:١٥ - الْخَامِسَةُ إِلَّا رُبْعًا ٤:٤٥)

كَيْم السَّاعَةُ الْآنَ؟



إِلَّا رُبْعًا

وَالرُّبْعُ

تَمَامًا

زیر هر تصویر زمان آن را بنویسید. (از نوشته‌های زیر استفاده کنید).

**پنج تمام** / الْخَامِسَةُ تَمَامًا / الْوَاحِدَةُ وَالرُّبْعُ / الثَّمَانَةُ وَالنِّصْفُ  
**یک و ربع** / الْوَاحِدَةُ وَالرُّبْعُ / الثَّمَانَةُ وَالنِّصْفُ  
**دو و ربع** / الثَّمَانَةُ وَالنِّصْفُ / الثَّمَانَةُ إِلَّا رُبْعًا / السَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعًا  
**سه و ربع** / الثَّمَانَةُ إِلَّا رُبْعًا / السَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعًا  
**چهار و نیم** / الثَّمَانَةُ وَالنِّصْفُ / الثَّمَانَةُ إِلَّا رُبْعًا / الْعَاشِرَةُ تَمَامًا  
**په و ربع** / الثَّمَانَةُ إِلَّا رُبْعًا / الْعَاشِرَةُ تَمَامًا  
**ده تمام** / الثَّمَانَةُ إِلَّا رُبْعًا / الْعَاشِرَةُ تَمَامًا



الخامسة تماما

الواحدة و الربع

الثامنة و النصف



الثالثاً إلى ربيعاً



السادسة إلى ربيعاً



العاشرة و الربع



الرابعة و النصف



الثامنة إلى ربيعاً



العاشرة تماماً

ساعت خوانى:

١. ساعت كامل:

مثال: أَلوَاحِدَةُ تَمَاماً / أَلثَّانِيَّةُ تَمَاماً / ...

٢. ساعت كامل به اضافه نيم و ربع:

مثال: أَلرَّابِعَةُ وَ النِّصْفُ / أَلخَامِسَةُ وَ الرُّبْعُ / ...

٣. يك ربع مانده به ساعت كامل:

مثال: أَلسَّابِعَةُ إِلا رُبْعاً / أَلثَّامِنَةُ إِلا رُبْعاً / ...

ترجمه کنید.

ده و ربع	الْعَاشِرَةُ وَ الرَّبْعُ:	یازده تمام	الْحَادِيَةَ عَشْرَةَ تَمَامًا:
یک و نیم	الْوَاحِدَةُ وَ النِّصْفُ:	دوازده تمام	الْثَّانِيَةَ عَشْرَةَ تَمَامًا:

## توجّه

در زبان ادبی عربی، هنگام بیان ساعت، عددهای ترتیبی مؤنث به کار می‌رود؛ جز در ساعت «یک» که «الْوَاحِدَةُ» گفته می‌شود.

## التَّمَارِين

### ١ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

توضیحات زیر، مربوط به کدام واژه‌ها از متن درس است؟

لیمو ..... **لیمون**

١. فَآكِهَةٌ شَبِيهَةٌ بِالْبُرْتُقَالِ؛ وَلَكِنَّهَا أَصْغَرُ مِنْهُ.  
میوه ای شبیه پرتقال ولی کوچکتر از آن.

علامت راهنمایی و رانندگی ..... **إشارات المرور**

٢. عِلَامَاتٌ لِلسَّائِقِ وَ الْعَابِرِ فِي الطَّرِيقِ:  
علامت هایی برای راننده و عابر در راه

حملات شبانه ..... **غارات ليلية**

٣. الْهُجُومُ بِالطَّائِرَةِ عَلَي الْعَدُوِّ فِي اللَّيْلِ:  
حمله با هواپیما به دشمن در شب

تازه ..... **طازج**

٤. أَحْسَنُ صِفَةٍ لِلْحَلِيبِ:  
بهترین ویژگی برای شیر

خلبان ..... **طيار**

٥. اسْمُ سَائِقِ الطَّائِرَةِ:  
اسم راننده هواپیما

عصاره میوه ..... **عصير الفاكهة**

٦. مَاءُ الثَّمَرِ:  
آب میوه

۲ التَّمْرِينُ الثَّانِي:

در جای خالی، رنگ مناسب بنویسید؛ سپس هر جمله را ترجمه کنید.

أَخْضَرَ - أَحْمَرَ - أَرْزَقَ - أَيْبَضَ - أَصْفَرَ - أَسْوَدَ

سبز قرمز آبی سفید زرد سیاه



الْفَرَسُ الْأَسْوَدُ جَنَّبَ سَاحِلَ الْبَحْرِ.

اسب سیاه کنار ساحل دریا است.



هَذَا الْبُسْتَانُ الْأَخْضَرَ جَمِيلٌ.

این باغ سبز زیباست.



الرَّمَانُ الْأَحْمَرُ فَاكِهَةٌ الْجَنَّةِ.

انار قرمز میوه ای بهشتی است.



الطَّائِرُ الْأَزْرَقُ عَلَى خَشَبَةٍ.

پرندۀ آبی روی چوب است.





اللون الأبيض علامة النظافة و الصفاء.

رنگ سفید، نشانه پاکیزگی و صفا است.



في العنب الـ أصفر فيتامينات كثيرة.

در انگور زرد ویتامین های بسیاری است.

### ۳ التمرين الثالث:

باتوجه به تصویر پاسخ دهید.

في الساعة السادسة مساءً / في الساعة الثانية عشرة

في الساعة الثامنة ليلاً / في الساعة التاسعة صباحاً



متى موعِدُ أذانِ الطَّهرِ؟  
زمان اذانِ طهرِ کی است؟

في السَّاعَةِ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ

در ساعت دوازده



فرماندهان شهید دفاع مقدس

متى تَذْهَبُونَ إلى ساحةِ الحَرْبِ؟  
کی به میدان جنگ می روید

في السَّاعَةِ السَّادِسَةِ مَسَاءً

در ساعت شش بعدظهر



مَتَى تَذْهَبْنَ إِلَى الْمُنْتَجَفِ؟  
کی به موزه می روید؟

**فِي السَّاعَةِ التَّاسِعَةِ صَبَاحاً**  
در ساعت نه صبح



مَتَى تَتَنَاوَلُ عَشَاءَكَ؟  
کی شامت را می خوری؟

**فِي السَّاعَةِ الثَّامِنَةِ لَيْلاً**  
در ساعت هشت شب

#### ٤ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ:

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

بنوش هویج خستگی آرام بخش زرد آلو جبران کردن توجه  
اِشْرَبْ - اَلْجَزْرَ - تَعَبٍ - مُهَدِّئَةً - اَلْمِشْمِشِ - تَعْوِضُ - اَلْاِتِّبَاهُ

١. كَتَبَ الطَّبِيبُ لِلْمَرِيضِ حُبُوباً ..... **مُهَدِّئَةً** ..... لِمُعَالَجَةِ صُدَاعِهِ.

پزشک برای بیمار قرص های آرام بخش ، برای معالجه سر دردش نوشت.

٢. ..... **اِشْرَبْ** ..... عَصِيرَ اللَّيْمُونِ وَ اَلْبُرْتَقَالِ لِصِحَّتِكَ.

رای سلامتی ات عصاره لیمو و پرتغال بنوش

٣. ..... **عِنْدَمَا نَنْظُرُ إِلَى النَّوْرِ الْأَحْمَرِ؛ نَشْعُرُ بِالتَّعَبِ** .....  
هنگامی که به نور قرمز نگاه می کنیم احساس خستگی میکنیم.

٤. اِنْ ..... **اَلْجَزْرَ** ..... مُفِيدٌ لِتَقْوِيَةِ الْعَيْونِ.

همانا هویج برای تقویت چشمها مفید است.

٥. تَمَرُ ..... **المشمش** ..... فِي بَدَايَةِ الصَّيْفِ.

میوه زردآلو در ابتدای تابستان است.

۵ التَّمْرِينُ الْخَامِسُ:

هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «دو کلمه اضافه است.»

- |                              |   |  |   |
|------------------------------|---|--|---|
| ۱. النَّهَارُ<br>روز         | ● | قُدْرَةُ عَرْضِ الْأَشْيَاءِ بِالْخُطُوطِ وَالْأَلْوَانِ.<br>قدرت عرضه کردن و نمایش چیزها با خطوط و رنگ ها | ● |
| ۲. الْمَتَحَفُ<br>موزه       | ● | مَكَانٌ لِحَفِظِ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.<br>مکانی برای نگهداری آثار تاریخی                            | ● |
| ۳. التَّلْوِينُ<br>رنگ آمیزی | ● | لَوْنٌ يَظْهَرُ فِي السَّمَاءِ الصَّافِيَةِ.<br>رنگی که در آسمان صاف آشکار می شود                          | ● |
| ۴. الْأَعْمَلُ<br>کارگر      | ● | صِفَةٌ حَسَنَةٌ لِلْحَلِيبِ وَالْفَاكِهَةِ.<br>ویژگی خوب برای شیر و میوه                                   | ● |
| ۵. الطَّازِجُ<br>تازه        | ● | مَا بَيْنَ الصَّبَاحِ وَاللَّيْلِ.<br>ما بین صبح و شب  | ● |
| ۶. الْأَشَاحِنَةُ<br>کامیون  | ● | إِعْطَاءُ الْأَلْوَانِ لِشَيْءٍ.<br>بخشیدن رنگ ها به چیزی / رنگ بخشیدن به چیزی                             | ● |
| ۷. الرَّسْمُ<br>نقاشی کردن   | ● |  |   |
| ۸. الْأَزْرَقُ<br>آبی        | ● |  |   |

۶ التَّمْرِينُ السَّادِسُ:

کلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید. = ، ≠

دریافت کرد	پرداخت کرد	بیا	برو	جنگ	صلح	بهتر	بهتر
اِسْتَلَمَ ≠ دَفَعَ	تَعَالَ ≠ اِذْهَبْ	نَاقِهَانِ = بَعْتَةٌ	نَاقِهَانِ ≠ فِجَاءَةٌ	مَرَكٌ = حَيَاةٌ	زَنْدَقِي ≠ قَلٌّ	كَمُ شَدَّ = اَحْسَنُ	اَفْضَلُ = كَثُرَ
علامت ها	علامت ها	زیبایی	زشتی	پوشاند	پنهان کرد	پارسایی	پارسایی
اِشَارَاتٌ = اِشَارَاتٌ	خُورِدٌ = اَكَلٌ	حُسْنٌ = قُبْحٌ	گرفتن	شادی	شادی	سفيد	تَقْوَى = اَسْوَدٌ
خورد	خورد	موفق شد	دادن	فرج	سوار شد	خردسالی	بزرگسالی
مردود شد	رَسَبٌ = نَجَحٌ	اَعْطَاءٌ = اَخَذٌ	کم می شود	رَكَبٌ = نَزَلَ	رَكَبٌ = نَزَلَ	صِغَرٌ = كِبَرٌ	صِغَرٌ = كِبَرٌ
مغازه	مغازه	کم می شود	زیاد می شود	سوار شد	فرود آمد	خردسالی	بزرگسالی
دُكَّانٌ = مَحَلٌّ	يَنْقُصٌ = يَزِيدٌ						

۱- عرض: عرضه کردن

## گَنْزُ الْحِكْمَةِ



بخوانید و ترجمه کنید:

۱. الْعَدْلُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْأَمْرَاءِ أَحْسَنُ، وَ السَّخَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْأَغْنِيَاءِ أَحْسَنُ، الْوَرَعُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْعُلَمَاءِ أَحْسَنُ، الصَّبْرُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْفُقَرَاءِ أَحْسَنُ، التَّوْبَةُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الشَّبَابِ أَحْسَنُ، الْحَيَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي النِّسَاءِ أَحْسَنُ.

عدالت نیکو است، ولی در فرماندهان نیکوتر است و بخشنده گی نیکوست ولی در ثروتمندان نیکو تر است، پارسایی نیکوست، ولی در دانشمندان نیکو تر است، صبر نیکوست، ولی در فقیران نیکو تر است، توبه نیکوست، ولی در جوانان نیکوتر است، شرم نیکوست، ولی در زنان نیکوتر است.



۲. مَنْ كَثَرَ كَلَامَهُ كَثَرَ خَطُؤُهُ، وَمَنْ كَثَرَ خَطُؤُهُ قَلَّ حَيَاؤُهُ، وَمَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ، وَمَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ، وَمَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ.

هر کس سخنش زیاد شود، خطایش زیاد میشود و هر کس خطایش زیاد شود، شرمش کم میشود و هر کس شرمش کم شود، پارسایی اش کم و هر کس پارسایی اش کم شود، قلبش می میرد و هر کس قلبش بمیرد وارد آتش (جهنم) می شود.

۱- النَّصُّ الْأَوَّلُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ النَّصُّ الثَّانِي مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ

۲- خَطُؤُهُ : خطایش (خطأ + ه)

۳- حَيَاؤُهُ : شرم او (حياء + ه)

– در اینترنت جست و جو کنید و متنی کوتاه به زبان عربی دربارهٔ خواص یکی از میوه‌ها بیابید.

– نام چه میوه‌هایی در سه کتاب عربی، زبان قرآن آمده است؟

نام کدام یک از آنها در قرآن آمده است؟ **الرّمّان: انار**





۰۹۲۱۹۱۰۱۸۶۸

تهیه و تنظیم: میلاد عیوضی سرگروه عربی استان اردبیل

خبر ویژه برای نهمی ها

با آرزوی سلامتی و موفقیت های روزافزون برای همه شما دانش آموزان کوشا تصمیم داریم همانند پایه نهم در پایه دهم نیز با تولید محتوای آموزشی رایگان، همراه و همیار شما شویم. پس حتما در کانال ما عضو شده و از آموزشهای رایگان ما استفاده نمایید

Arabi\_7\_8\_9

کانال عربی متوسطه عیوضی

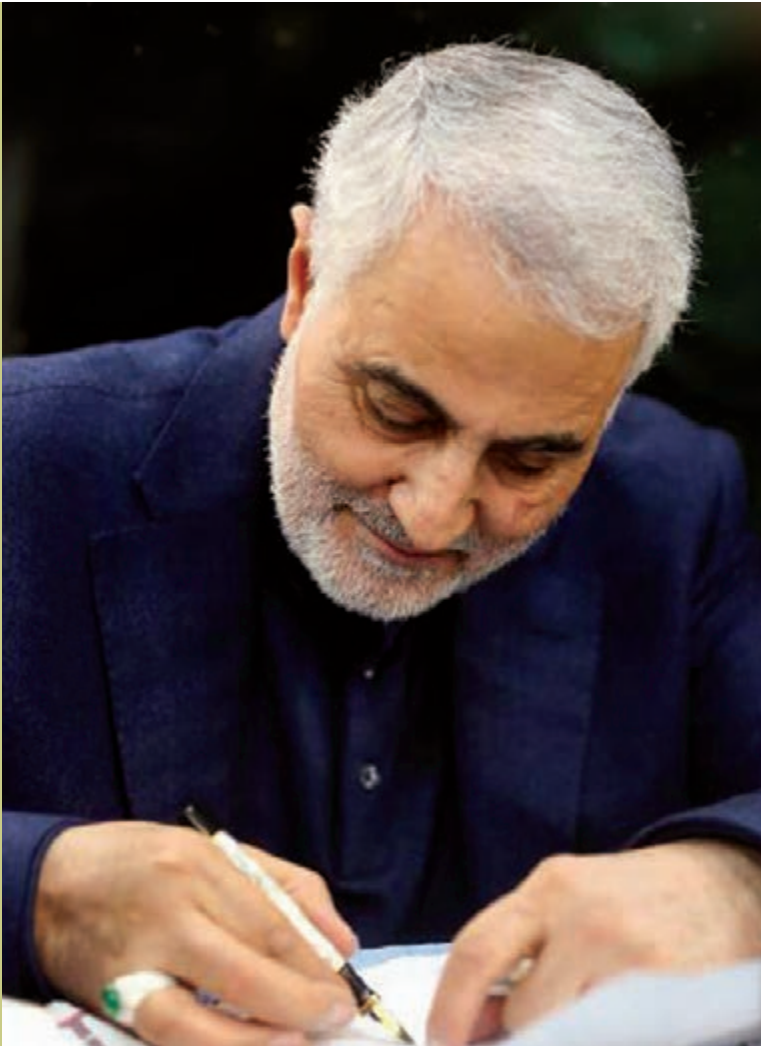


درس دهم

## الدَّرْسُ الْعَاشِرُ



رسالة الشهيد سلیمانی  
نامه شهید سلیمانی



# الدَّرْسُ العَاشِرُ

المُعْجَم: (۲۲ کلمه جدید)

رایانه	حاسوب:	تماس گرفتن	اتصال:
پانزدهم عدد ترتیبی	الخامسة عشرة:	خواهش می‌کنم	أرجو: فعل مضارع
بدون اجازه شما	دون إذنكم:	استخاره کردیم	استخَرنا: فعل ماضی
خانواده = أسرة	عائلة:	به کار گرفت	استخدم: فعل ماضی
برای هر چیزی	لأي شيء:	زیان‌ها «مفرد: ضرر»	أضرار: جمع مکسر
به خانه شما رسیده است	لحق ببيتكم: ماضی	پایبندی	التزام:
آماده	مستعد:	هدیه کردم	أهديت: فعل ماضی
حرکت می‌کنیم (ساز: حرکت کرد)	نسير: فعل مضارع	ژرف اندیشی کرد	ژرف اندیشی (ماضی: تدبّر)
به جانشینی از شما	نيابة عنكم:	آزادسازی	تحرير:
می‌شود گفت	يُمكن القول: مضارع	مرا می‌شناسید	تعرفونني: مضارع
برمی‌خیزد (ماضی: نهض)	ينهض: مضارع	بها = سعر، قیمت	ثمن:

فعل مضارع

فعل ماضی

فعل ماضی

جمع مکسر

فعل ماضی

تعرفون+ی

## رِسَالَةُ الشَّهِيدِ سُلَيْمَانِي

نامه شهید سلیمانی

كَتَبَ الشَّهِيدُ الْحَاجُّ قَاسِمٌ سُلَيْمَانِي رِسَالَةً لِصَاحِبِ الْمَنْزِلِ الَّذِي اسْتَخْدَمَهُ كَمَقْرَرٍ لَهُ

خِلَالَ عَمَلِيَّاتِ تَحْرِيرِ «الْبُوكْمَالِ» فِي سُورِيَّةِ، يَظْهَرُ فِيهَا تَوَاضُعُهُ وَالتَّزَامُّهُ بِالْحَقِّ.

شهید حاج قاسم سلیمانی نامه ای به صاحب خانه ای که در عملیات آزادسازی البوکمال از آن منزل به عنوان مقر خود استفاده کرده بود نامه ای نوشت، که در آن فروتنی و پابندیش به حق آشکار می شود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِهَ نَامِ خَدَاوَنْدِ بَخْشَنْدِه مَهْرَبَانِ

مَنْ قَاسِمٌ سُلَيْمَانِي إِلَى الْعَائِلَةِ الْعَزِيزَةِ وَ الْمُحْتَرَمَةِ. أَسْلَامٌ عَلَيْكُمْ.

از قاسم سلیمانی به خانواده عزیز و محترم. سلام بر شما.

إِنَّكُمْ تَعْرِفُونَنِي حَقًّا. نَحْنُ الْمُجَاهِدِينَ سَاعِدْنَا الْمُسْلِمِينَ مِنْ أَهْلِ السُّنَّةِ فِي جَمِيعِ الْعَالَمِ.

شما واقعا منو میشناسید ما مجاهدینی هستیم که به مسلمانان اهل سنت در سراسر جهان کمک کردیم.

نَحْنُ شَيْعَةٌ وَ يُمْكِنُ الْقَوْلُ بِأَنَّهَا مِنْ أَهْلِ السُّنَّةِ؛ لِأَنَّهَا نَسِرَ عَلَى سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ،

ما شیعه هستیم و می توان گفت از اهل سنت هستیم زیرا ما بر مسیر سنت رسول خدا (ص) حرکت میکنیم.

وَ نَعْمَلُ بِهَا.

و به آن عمل می کنیم.

وَ أَنْتُمْ شَيْعَةٌ لِأَنَّكُمْ تُحِبُّونَ أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

و شما شیعه هستید چون اهل بیت (ع) را دوست دارید.

لَقَدْ عَرَفْتُ مِنْ خِلَالِ وُجُودِ كِتَابِ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ وَ صَاحِبِ الْبُخَارِيِّ وَ الْكُتُبِ الْأُخْرَى فِي

من از طریق وجود قرآن کریم و صحیح بخاری و کتاب های دیگر در خانه شما دریافتم

بَيْنَكُمْ أَنَّكُمْ مُتَدَبِّرُونَ؛ لِهَذَا أَطْلُبُ مِنْكُمْ شَيْئَيْنِ:

که شما مذهبی هستید. به همین دلیل از شما دو چیز می خواهم:

الأول: أَرْجُو مِنْكُمْ الْمَعْذَرَةَ؛ لِأَنَّهَا حَعَلْنَا مَقْرَأً لَنَا دُونَ إِذْنِكُمْ.

اول: از شما معذرت می خواهم. زیرا ما خانه شما را بدون اجازه مقرر خود قرار دادیم.

الثاني: أَرْجُو مِنْكُمْ طَلَبَ الضَّرَرِ الَّذِي لِحَقِّ بَيْتِكُمْ. فَتَحْنُ مُسْتَعِدُونَ لِذَفْعِ الثَّمَنِ.

از شما می خواهم خسارتی که به خانه تان رسیده را بخواهید. ما آماده پرداخت هزینه هستیم.

لَقَدْ اسْتَحْرْنَا بِالْقُرْآنِ الْكَرِيمِ نِيَاةً عِنْدَكُم.

ما از طرف شما از قرآن کریم استخاره کردیم.

فَفَتَحْنَا وَ ظَهَرَتْ آيَاتٌ مُبَارَكَةٌ مِنْ سُورَةِ الْفُرْقَانِ. أَرْجُو مِنْكُمْ التَّدَبُّرَ فِيهَا، كَمَا نَحْنُ

پس آن را کشودیم و آیات مبارکی از سوره فرقان ظاهر شد. از شما می خواهم که در آن تدبر کنید همانطور که

تَدَبَّرْنَا فِيهَا.

ما در آن تدبر کردیم



نَحْنُ صَلَّيْنَا فِي بَيْتِكُمْ، وَ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ وَ أَهْدَيْتَ ثَوَابَهَا لَكُمْ وَ طَلَبْتَ مِنَ اللَّهِ حُسْنَ  
 در خانه تان نماز خواندیم، و دو رکعت نماز خواندم و ثوابش را به شما دادم و از خداوند عاقبت به خیری  
 العاقبة لكم.



برای شما خواستم.  
 نحن محتاجون إلى دعائكم.  
 ما محتاج دعای شما هستیم.  
 رجاء، أطلبوا مني ثمن الأضرار، فهذا رقم  
 لطفا خسارتها را از من بخواهید. این شماره  
 هاتفی فی ایران، أرجو منكم الإتصال بي، و  
 تلفنم در ایران است از شما خواهش میکنم که با من تماس بگیرد  
 أنا مُسْتَعِدٌّ لِأَيِّ شَيْءٍ تُرِيدُونَهُ  
 من برای هر چیزی که می خواهید آماده ام

رقم الهاتف: -----۰۰۹۸۹۱۳  
 شماره تلفن: -----۰۰۹۸۹۱۳  
 اینکم، او آخوگم: سلیمانی.  
 سرت یا برادرت: سلیمانی

با توجه به متن درس، به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.

۱. مَا الْعَمَلِيَّاتُ الَّتِي اسْتَعْدَمَ الشَّهِيدُ مَنْزِلًا مِنْ مَنْزِلِ النَّاسِ فِيهَا؟ **البوگمال**

عملیاتی که شهید سلیمانی در آن منزلی از منزل‌های مردم را استفاده کرد چیست؟ **البوگمال**

۲. مِنْ أَيْنَ عَرَفَ الشَّهِيدُ سُلَيْمَانِي بِأَنَّ صَاحِبَ الْمَنْزِلِ مُتَدَيِّنٌ؟ **وجود کتاب القرآن الکریم..... فی البیت**  
شهید سلیمانی از کجا فهمید که صاحب منزل متدین است؟ **وجود قران و صحیح بخاری و کتاب‌های دیگر در خانه.**

۳. هَلْ كَتَبَ الشَّهِيدُ سُلَيْمَانِي رَقْمَ هَاتِفِهِ لِصَاحِبِ الْمَنْزِلِ؟ **نعم**  
آیا شهید سلیمانی شماره تلفن خود را برای صاحب خانه نوشت؟

۴. لِمَاذَا اسْتَعْدَمَ الشَّهِيدُ سُلَيْمَانِي مَنْزِلًا فِي الْبُوْغْمَالِ؟ **لتحرير البوگمال**  
چرا شهید سلیمانی از خانه‌ای در البوگمال استفاده کرد؟ **برای آزادسازی البوگمال**

۵. مَاذَا يَظْهَرُ مِنْ خِلَالِ قِرَاءَةِ رِسَالَةِ الشَّهِيدِ سُلَيْمَانِي؟ **تواضعه و التزامه بالحق**  
با خواندن نامه شهید سلیمانی چه چیزی آشکار می‌شود؟ **فروتنی و پایبندی به حق**

۶. أَيُّ سُورَةٍ ظَهَرَتْ عِنْدَ الْاسْتِخَارَةِ بِالْقُرْآنِ؟ **سوره الفرقان**  
هنگام استخاره از قرآن کدام سوره ظاهر شد؟ **سوره فرقان**

۷. مَنْ كَتَبَ رِسَالَةَ لِصَاحِبِ الْمَنْزِلِ؟ **الشهيد سلیمانی**  
چه کسی به صاحب خانه نامه‌ای نوشت؟ **شهید سلیمانی**

## التمارين العامة

### ١ التمرين الأول:

سخنان حکیمانه هم‌هنگ فارسی و عربی را به هم وصل کنید.

- |   |   |   |  |
|---|---|---|--|
| 6 | عاقبت، جوینده یابنده بود                | 1 | عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.   |
| 7 | نو که آمد به بازار کهنه شود دل آزار     | 2 | دانشمند عاقل بهتر از دوست نادان است  |
| 4 | چاه مکن بهر کسی اول خودت دوم کسی        | 3 | الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ.  |
| 2 | عالم بی عمل به چه ماند؟ به زنبور بی عسل | 4 | دانشمند بدون عمل مانند درخت بدون میوه است  |
| 5 | یار بد بدتر بود از مار بد               | 5 | أَسْتُرُ ذَهَبِكَ وَ ذَهَابِكَ وَ مَذْهَبِكَ.  |
| 1 | یار بد بدتر بود از مار بد               | 6 | طلا(سرمایه) و رفت و آمد و مذهب را پنهان کن   |
| 3 | کم جنبان لب از ذهاب و از ذهب وز مذهب    | 7 | مَنْ حَفَرَ بَيْتًا لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهَا.   |
|   |   |   | هر کس برای برادرش چاهی بکند خودش در آن می افتد   |
|   |   |   | الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السُّوءِ. تا توانی می‌گریز از یار بد یار بد بدتر بود از مار بد |
|   |   |   | تنهایی بهتر از هم‌نشینی بد است   |
|   |   |   | مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَجَدَ، وَجَدَ. دشمن دانا که غم جان بود بهتر از آن دوست که نادان بود       |
|   |   |   | هر کسی چیزی بخواهد و تلاش کند، می‌یابد   |
|   |   |   | لِكُلِّ جَدِيدٍ لَدَّةٌ. در بیان این سه، کم جنبان لب از ذهاب و از ذهب وز مذهب                  |
|   |   |   | هر چیز جدیدی لذتی دارد   |





## ۲ التَّمْرِينُ الثَّانِي:

ضرب‌المثل‌های زیر را ترجمه کنید.

۱. عَصْفُورٌ فِي الْيَدِ خَيْرٌ مِنْ عَشْرَةِ عَلَى الشَّجَرَةِ یک گنجشک در دست بهتر از ۱۰ گنجشک روی درخت است
۲. مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا تَحْصُدُ فِي الْآخِرَةِ. آنچه در دنیا بکاری در آخرت درو می‌کنی
۳. مَنْ طَلَبَ أَخًا<sup>۱</sup> بِلَا عَيْبٍ بَقِيَ بِلَا أَخٍ. هرکس که دوستی بدون عیب طلب کند، بی دوست میماند
۴. هَذَا الْفَرَسُ وَ هَذَا الْمَيْدَانُ. این اسب (گوی) و این میدان
۵. يَوْمٌ لَنَا وَ يَوْمٌ عَلَيْنَا. یک روزی با ما و روزی علیه ماست

## ۳ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ:

کدام گزینه از نظر معنایی با کلمه مشخص شده هماهنگ است؟

- |   |  |  |   |                       |
|---|--|--|---|-----------------------|
| واگن  | عکس  | روزنامه  | باران                                       | ابر                   |
| <input type="radio"/> أَلْعَرَبَةُ            | <input type="radio"/> أَلصُّورَةُ            | <input type="radio"/> أَلصَّحِيفَةُ              | <input checked="" type="radio"/> أَلْمَطَرُ | ۱. أَلسَّحَابُ        |
| روزه  | عروس   | پژوهش‌ها   | بستری                                       | جشن ازدواج            |
| <input type="radio"/> أَلصَّوْمُ              | <input checked="" type="radio"/> أَلْعَرُوسُ | <input type="radio"/> أَلْأَبْحَاثُ              | <input type="radio"/> أَلرَّاقِدُ           | ۲. حَفْلَةُ الزَّوْجِ |
| بادها   | پل‌ها  | مردود  | شیر   | وزید                  |
| <input checked="" type="radio"/> أَلرِّيَّاحُ | <input type="radio"/> أَلجُسُورُ             | <input type="radio"/> أَلرَّاسِبُ                | <input type="radio"/> أَلأَسَدُ             | ۳. عَصَفْتُ           |
| شیشه  | عصبانی                                       | باتری  | گیاه  | برق                   |
| <input type="radio"/> أَلزُّجَاغَةُ           | <input type="radio"/> أَلغَضْبَانُ           | <input checked="" type="radio"/> أَلبَطَارِيَّةُ | <input type="radio"/> أَلنَّبَاتُ           | ۴. أَلكُهْرِبَاءُ     |
| تیم   | آتش  | عمیق   | راه   | دود                   |
| <input type="radio"/> أَلفَرِيقُ              | <input checked="" type="radio"/> أَلحَرِيقُ  | <input type="radio"/> أَلعمِيقُ                  | <input type="radio"/> أَلطَّرِيقُ           | ۵. أَلدُّخَانُ        |
| سوگند خورد                                    | وارد شد                                      | پافشاری کرد                                      | کوئید                                       | در                    |
| <input type="radio"/> حَلَفَ                  | <input type="radio"/> وَلَجَ                 | <input type="radio"/> لَجَّ                      | <input checked="" type="radio"/> قَرَعَ     | ۶. أَلْبَابُ          |

۱- آخ: برادر، دوست

## ۴ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ:

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

اجْعَلْ - التَّقَاعُدُ - فَرِيضَةٌ - تَمَوْتُ - الْأُمّهَاتِ - الْمَمَرُ - شَقَاوَةٌ - أَنْفَعُهُمْ

۱. اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ؛ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ؛ كَأَنَّكَ **تَمَوْتُ** عَدَاً.  
در دنیا چنان عمل کن گویی تو تا ابد زندگی میکنی و برای آخرت چنان عمل کن گویی که فردا میمیری
۲. مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ حَسُنُ الْخَلْقِ وَمِنْ **شَقَاوَةٍ** ابْنِ آدَمَ سُوءُ الْخَلْقِ.  
از خوشبختی آدمیزاد اخلاقی نیکو و از بدبختی آدمیزاد اخلاقی بد است
۳. إِذَا قَدَرْتَ عَلَيَّ عَدُوًّا؛ فَ**اجْعَلْ** الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.  
اگر بر دشمنت برتری یافتی پس به خاطر شکر برتری بر او ببخشش را بر او قرار بده (اورا ببخش)
۴. أَطْلَبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ؛ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ **فَرِيضَةٌ**.  
علم و دانش را طلب کنید اگرچه در چین باشد همانا طلب علم واجب دینی است.
۵. أَفْضَلُ النَّاسِ **أَنْفَعُهُمْ** لِلنَّاسِ.  
بهترین مردم سودمندترین آنها نسبت به مردم است.
۶. الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ **الْأُمّهَاتِ**.  
بهشت زیر پای مادران است

## ۵ التَّمْرِينُ الْخَامِسُ:

در جای خالی عدد اصلی و ترتیبی مناسب بنویسید.

### عددهای اصلی

۱. وَاحِدٌ	۲. اِثْنَانِ	۳. ثَلَاثَةٌ	۴. أَرْبَعَةٌ
۵. خَمْسَةٌ	۶. سِتَّةٌ	۷. سَبْعَةٌ	۸. ثَمَانِيَةٌ
۹. تِسْعَةٌ	۱۰. عَشْرَةٌ	۱۱. أَحَدَ عَشَرَ	۱۲. اِثْنَا عَشَرَ

### عددهای ترتیبی

۱. الْأَوَّلُ	۲. الثَّانِي	۳. الثَّلَاثُ	۴. الرَّابِعُ
۵. الْخَامِسُ	۶. السَّادِسُ	۷. السَّابِعُ	۸. الثَّامِنُ
۹. التَّاسِعُ	۱۰. الْعَاشِرُ	۱۱. الْحَادِي عَشَرَ	۱۲. الثَّانِي عَشَرَ

## ۶ التَّمْرِينُ السَّادِسُ:

هر جمله درباره چه توضیح می‌دهد؟

- از طرف گریه
- جَرِيَانٌ قَطْرَاتِ الدَّمْعِ مِنَ الحُزْنِ أَوْ الوَجَعِ. **جریان قطرات اشک از روی اندوه یا درد**
  - مَرْكَزٌ لِلتَّعْلِيمِ العَالِي يَتَخَرَّجُ مِنْهُ الطُّلَابُ. **مرکز تحصیلات عالی که از آن دانشجویان فارغ التحصیل میشوند**
  - شَبَابٌ يَدْرُسُونَ فِي الجَامِعَاتِ. **جوانانی که در دانشگاهها درس میخوانند**
  - طَعَامٌ مَحْبُوبٌ فِي شَمَالِ إِيْرَانِ. **غذای محبوب در شمال ایران**
  - فَصَلَّ يَأْتِي بَعْدَ الصَّيْفِ. **فصلی که بعد از تابستان می‌آید**
- بیمارستان پلیس
- دانشگاه دانش آموزان
- چای گرم برنج یا ماهی
- الْأشْيَاءُ الحَارَّةُ البَهِارُ
- الْحَرْيْفُ الرَّبِيعُ

## ۷ التَّمْرِينُ السَّابِعُ:

هر کلمه را در جای مناسب بنویسید.

حَدَادُونَ - شُرَطِيَانٍ - نَافِذَتَيْنِ - سَيِّدَاتٌ - أَضْرَارٌ - نِيَابَةٌ - تَحْرِيرٌ

تَحْرِيرٌ	مفرد مذکر	---
نِيَابَةٌ	مفرد مؤنث	ة
شُرَطِيَانٍ	مثنای مذکر	انِ - يِنِ
نَافِذَتَيْنِ	مثنای مؤنث	انِ - يِنِ
حَدَادُونَ	جمع مذکر سالم	ونَ - يِنَ
سَيِّدَاتٌ	جمع مؤنث سالم	ات
أَضْرَارٌ	جمع مکسر	---

علامت‌ها

## ۸ التَّمْرِينُ الثَّامِنُ:

ترجمه کنید و نوع فعل‌های مشخص شده را بنویسید.

۱. یا وَكَلَدِي، لَا تَيْأَسُ فِي حَيَاتِكَ. أَنْتَ تَقْدِرُ. **أَطْلُبُ** وَ اجْتَهِدْ.

ای فرزندم در زندگیا نا امید نشو. تو میتوانی، بخواه و تلاش کن.

۲. یا بِنْتِي، اِضْحَكِي لِلْحَيَاةِ. لَا تَحْزَنِي. أَنْتِ فَائِزَةٌ. **سَتَنْجَحِينَ** غَدًا.

ای دخترم به زندگی بخند. غمگین نباش. تو پیروزی بزودی موفق می شوی.

۳. **أَنْصُرُوا** أَصْدِقَاءَكُمْ وَ لَا تَتْرَكُوهُمْ فِي الْمَشَاكِلِ. فَهُمْ سَوْفَ يُسَاعِدُونَكُمْ أَيْضًا.

دوستانتان را یاری کنید و آنها را در سختیها رها نکنید. پس آنها نیز به شما کمک خواهند کرد

## ۹ التَّمْرِينُ التَّاسِعُ:

با توجه به متن زیر، جمله‌های درست و نادرست را معلوم کنید.

حامدٌ وَكَلَدٌ ذَكِيٌّ وَ هُوَ فِي الْخَامِسَةِ عَشْرَةَ مِنْ الْعُمْرِ. هُوَ يَكْتُبُ وَاجِبَاتِهِ الْمَدْرَسِيَّةَ حَامِدٌ بَسْرِي بَاهُوشٍ اسْتَوَ وَ أُو دَر سَن پانزده سالگی عمرش است. او تکالیف مدرسه اش را عصر مینویسد مَسَاءً. يَنْهَضُ صَبَاحًا فِي السَّاعَةِ السَّادِسَةِ إِلَّا رُبْعًا، وَ بَعْدَ الصَّلَاةِ يَتَنَاوَلُ فِطْوَرَهُ

صبح ساعت یک ربع به شش بلند میشود. و بعد از نماز ساعت شش و نیم صبحانه میخورد.

فِي السَّاعَةِ السَّادِسَةِ وَ النِّصْفِ. فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ، اشْتَرَى وَالِدُهُ حَاسِبًا لَهُ وَ

در روزی از روزها پدرش برای او رایانه‌ای خرید

سَمَحَ لَهُ بِالدُّخُولِ فِي الْإِنْتَرْنِتِ فِي أَوْقَاتِ الْفَرَاغِ. فَرَحَ حَامِدٌ بِهَذِهِ الْهَدِيَّةِ. بَعْدَ

و به او اجازه داد در اوقات فراغت وارد اینترنت شود. حامد با این هدیه خوشحال شد

مُدَّةَ سَافِرٍ وَالِدُهُ وَ وَالِدَتُهُ لِمَهْمَةِ إِدَارِيَّةٍ لِمُدَّةِ يَوْمَيْنِ. قَالَ حَامِدٌ لِأَبِيهِ وَ أُمِّهِ:

پس از مدتی پدر و مادرش برای یک مأموریت اداری به مدت دو روز سفر کردند حامد به پدر و مادرش گفت

«سَأَبْحَثُ بَحْثًا عِلْمِيًّا فِي الْإِنْتَرْنِتِ.»

یک تحقیق علمی در اینترنت جستجو خواهم کرد

جَلَسَ حَامِدٌ خَلْفَ الْحَاسِبِ وَ لَعِبَ سَاعَاتٍ كَثِيرَةً وَ فِي الْيَوْمِ الثَّلَاثِي نَهَضَ فِي

حامد پشت رایانه نشست و ساعات زیادی بازی کرد و در روز بعد ساعت یک ربع به هفت بیدار شد

السَّاعَةِ السَّابِعَةِ إِلَّا رُبْعًا. مَا أَكَلَ الْفِطْوَرَ وَ مَا غَسَلَ وَجْهَهُ وَ خَرَجَ مِنَ الْبَيْتِ وَ

صبحانه نخورد و صورتش را نشست. از خانه خارج شد و

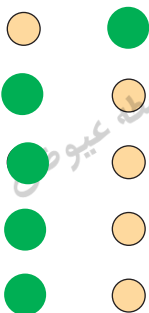
رَكِبَ حَافِلَةَ الْمَدْرَسَةِ.

سوار اتوبوس مدرسه شد

كَانَ حَامِدٌ يَشْعُرُ بِالنُّومِ فِي الصَّبِّ. فَجَاءَتْ سَمْعَ صَوْتِ الْمُعَلِّمِ:  
**حامد در کلاس احساس خواب آلودگی می کرد. ناگهان صدای معلم را شنید:**  
 «أريدُ مُشاهدةً واجباتكم.»  
**میخواهم تکالیفتان را ببینم**

فَتَحَّ حَامِدٌ حَقِييبَتَهُ وَفَهَّمُ بِأَنَّ الدَّفْتَرَ لَيْسَ لَهُ بَلٌّ لِأُخْتِهِ. نَدِمَ حَامِدٌ وَقَالَ فِي نَفْسِهِ:  
**حامد کيفش را باز کرد و فهمید که دفتر برای او نیست بلکه برای خواهرش است. حامد پشیمان شد و با خودش گفت:**  
 «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مُنْظَمًا!»  
**ای کاش من منظم بودم.**

## درست نادرست



۱. اشترى والد حامد حاسوباً له.  
پدر حامد برای او رایانه ای خرید
۲. حامد في الثانية عشرة من العمر.  
حامد در سن 12 سالگی است.
۳. هو يكتُب واجباته المدرسية ظهراً.  
او تکالیف مدرسه اش را ظهر مینویسد
۴. بحث حامد عن موضوع رياضي في الإنترنت.  
حامد در اینترنت در مورد موضوع ریاضی جستجو کرد
۵. سافر والده و والدته لِمهمة إدارية لِمدة شهرين.  
پدر و مادرش برای یک مأموریت اداری به مدت دو ماه سفر کردند





کانال عربی متوسطه گیوضی

کانال عربی متوسطه گیوضی

به امید دیدار

إِلَى اللِّقَاءِ

در کلاس دهم

فِي الصَّفِّ العَاشِرِ؛

در پناه خدا

فِي أَمَانِ اللّهِ ؛

به سلامت

مَعَ السَّلَامَةِ.

کانال عربی متوسطه گیوضی



کانال عربی متوسطه گیوضی

کانال عربی

متوسطه گیوضی